نی‌نامک

ماهنامه اجتماعی -اقتصادی / سال نهم / شماره ۷۲
مهر ۱۴۰۵ / ۳۶ صفحه / ۴۰ هزار تومان

در این شماره می‌خوانید:

/سرمقاله:
دردهای انباشته‌ی کشور از کجا آمده است؟

/ چرا نادرشاه نتوانست پادشاهیِ کامیابی را به یادگار بگذارد؟

/ رازبوفِ کور به زبان ساده

/ اسکار برای ایران؛ یکی از درون یکی از برون



حکیم فضل‌اله رهبر
نخستین دندانپزشک نی ریزی

صادق هدایت درباره او چه نوشت؟

Deldari Optic

عینک سازی و بینایی سنجی

دلداری



قابل توجه پرسنل محترم بیمارستان و فرهنگیان

بینایی سنجی و عینک سازی دلداری طرف قرارداد با پرسنل محترم بیمارستان، فرهنگیان، بازنشستگان محترم تامین اجتماعی، کارمندان بانک رفاه و اداره تامین اجتماعی، آماده ارائه خدمات ویژه ساخت یا خرید عینک و انواع خدمات بینایی سنجی بصورت اقساطی و کسر از حقوق می باشد.

آدرس: نی ریز، خیابان قدس، کوچه جنب پاساژ یکتا، مجتمع پزشکی کوروش

۰۷۱ ۵۳۸۲ ۱۵۵۵
۰۷۱ ۵۳۸۳ ۱۵۵۵
@deldari.optic

خورشید را حاجِب تویی، امید را واجِب تویی / مطلب تویی طالب تویی، هم مُنتها هم مُبتدا

غزلیات دیوان شمس

سرمقاله

● / دردهای انباشته‌ی کشور از کجا آمده است؟ (۴)

خبرخوان



● / مسافرکشی پزشکان عمومی به دلیل کمبود درآمد (۶)

● / پروژه جدید چین: مردم باید بیشتر مصرف کنند (۷)

● / احمد زیدآبادی: نسل جدید اسرائیل تندروتر است (۱۰)

● / تغییر الگوی خرید خانوارهای ایرانی: از کیفیت به کمیت؛ از تعویض به تعمیر؛ از ماهانه به روزانه (۱۱)



● / ۱۰ نکته آموزنده از شانگهای برای تهران (۱۳)

● / مردی که برای زنده ماندن دستگاه دیالیز خودش را ساخت (۱۵)

● / آیا خودروی پرنده تسلا فروش و ارزش سهام را بالا می‌برد؟ (۱۷)

پرونده ماه



حکیم فضل‌الله رهبر
نخستین دندانپزشک نی‌ریزی
صادق هدایت درباره او چه نوشت؟ (۱۹)

تاریخ



«شمشیر ایران،
سرگذشت نادرشاه افشار»
چرا نادرشاه نتوانست پادشاهیِ کامیابی را به یادگار بگذارد (۲۵)

ادبیات



رازبوفِ کور
به زبانِ ساده (۲۸)

نماوا



اسکار برای ایران
یکی از درون یکی از برون (۳۲)



ماهنامه اجتماعی - اقتصادی استان فارس

شماره ۷۲ / دوره دوم / سال نهم
مهر ۱۴۰۵ خورشیدی
ربیع‌الثانی / جمادی‌الاول ۱۴۴۸ مهشیدی
September / October 2026

مدیر مسئول: امین رجبی
سردبیر: غلامرضا شعبان‌پور
با همکاری شورای نویسندگان

اجرا:
مؤسسه مطبوعاتی فارس پژواک نی‌ریزان

نشانی:
فارس/نی‌ریز/خیابان طالقانی/مؤسسه فرهنگی‌هنری کوثر نورتارم/طبقه دوم

راه‌های ارتباطی:
۰۷۱-۵۳۸۳۰۹۰۳ دفتر
۰۷۱-۵۳۸۳۷۰۲۸ تحریریه
۰۹۱۷۸۰۰۱۸۰۸ مدیرمسئول
۰۹۳۰۷۳۱۱۸۰۸ آگهی
۰۹۱۷۸۰۰۱۸۰۸ تلگرام/واتساپ
سایت: neytaak.ir
رایانامه: neytaak@gmail.com

طراحی صفحات: محمد جلالی

لیتوگرافی و چاپ:
فارس/نی‌ریز/نبش خیابان بهداشت/خانه چاپ نی‌ریز
۰۹۱۷۳۳۱۲۴۲۰

-مطالب منتشر شده در ماهنامه، الزاماً دیدگاه شورای نویسندگان نیست.
-نی‌تاک در ویرایش مطالب آزاد است.
-مطالب دریافتی بازگردانده نمی‌شود.

دردهای انباشته‌ی کشور از کجا آمده است؟

امین رجبی
مدیرمسئول

از مشکلات ریشه‌ای کشور ما که به تفکر مسئولان و مردم راه یافته، یکی هم این است که خود را در همه مسائل کارشناس می‌دانیم و نظر می‌دهیم و در عین حال به نظر کارشناسان و متخصصانِ واقعی توجهی نمی‌کنیم.

یک کارشناس در زمینه تخصصی خود گام‌های زیادی از جامعه و دیگران جلوتر است. او درس خوانده و مطالعه کرده و تجربه اندوخته و از وجودش مایه گذاشته تا در رشته‌ای متخصص بشود و به همین واسطه از دیگران جلوتر است و بیشتر می‌فهمد و زودتر متوجه می‌شود و عمیق‌تر درک می‌کند و خطرات را پیش از وقوع، هشدار می‌دهد و آنچه را که دیگران در آینه نمی‌بینند، در خشت خام می‌بیند.

یک مهندس عمران در همان روزهای اولِ پی‌کنی و بتن‌ریزی و دیوارچینی، دست روی نواقص می‌گذارد و ساختمانِ نساخته را می‌بیند و سستی بنا را هشدار می‌دهد.

همین است یک پزشک که هشدار می‌دهد که اگر در جوانی چنین و چنان کنید، در میانسالی و پیری چنین و چنان می‌شوید.

و به همین ترتیب یک متخصص اجتماعی یا اقتصادی یا سیاسی نیز دردهای جامعه را پیش از وقوع می‌بیند و هشدار می‌دهد.

اما در بیشترِ این موارد شاهد بوده و هستیم که نظر کارشناسی و تخصصی دیده و شنیده نمی‌شود و کار آن می‌شود که نباید.

در مقابل اما همه در گفتگوهای روزمره و در گروه‌های مجازی درباره زمین و زمان و پزشکی و اقتصاد و سیاست و فرهنگ و مذهب و کائنات نظر می‌دهیم و خود را همه‌چیزدان می‌دانیم تا آنجا که اگر کسی مخالفِ جدی سخنان و نظرات ما شد رنجیده می‌شویم و کار به بحث و جدل و یارکشی و دعوا و مرافعه می‌کشد.

این دردهای انباشته‌ی کشور که اکنون با آن مواجهیم و وطن را در آستانه بحران‌های بزرگی چون جنگ، نابودی زیرساخت‌ها، تجزیه، فروپاشی اقتصاد، قحطی و بحران‌های زیست‌محیطی می‌بینیم نتیجه همین رویکرد است که اگرچه در نظام مدیریتی کشور، کارشناسان دلسوزی وجود دارند اما جایگاه اثرگذاری ندارند و در عمل نظر آنها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

وقتی بحران‌ها یکی پس از دیگری رخ می‌نماید، این جمله را از زبان کارشناسان همواره می‌شنویم که: «ما گفتیم، اما کو گوش شنوا!»

دردآور این که بیشترِ کارشناسانِ دلسوز به سیاه‌نمایی و آب به آسیاب دشمن ریختن و عاملیت بیگانه متهم و مجبور به دم فروبستن و خون دل خوردن و بغض فرو دادن می‌شوند.

نمونه‌های روشنِ بی‌توجهی و کم‌محلی به نظر کارشناسان فراوان است. یکی همین برنامه‌های پنج ساله توسعه که کارشناسان زیادی روی آن نظر داده و به تصویب رسیده اما دریغ از اندکی نزدیک شدن به افق‌هایی که تصور می‌کردند و کشور را اقتصاد اول منطقه و قدرت سوم جهان می‌خواستند.

حالا ما کجا هستیم و کشورهای همسایه کجا؟ ارزش پول ما چقدر است؟ آن برنامه‌ها چه شد؟ وعده‌ها به کجا رسید؟

کس نمی‌گوید که یاری داشت حقِّ دوستی
حق‌شناسان را چه حال افتاد؟ یاران را چه شد؟

این روزها در شبکه‌های اجتماعی دعوای دیگری در جریان است. حالا که کشور به این روزها رسیده، هر کس دیگری را متهم می‌کند که مقصر شما هستید. چه آنها که طرفدار مذاکره بوده‌اند و چه آنها که بر طبل جنگ می‌کوبیدند. همچنان هم همه نظر کارشناسی می‌دهند و همچنان هم کارشناسان و متخصصان واقعی و دلسوز در خاموشی و انزوای خویش نظاره‌گرند.

لعلی از کانِ مُروّت برنیامد سال‌هاست
تابش خورشید و سعی باد و باران را چه شد؟

گویِ توفیق و کرامت، در میان افکنده‌اند
کس به میدان در نمی‌آید، سواران را چه شد؟

بدرود

خبرخوان



مسافرکشی پزشکان عمومی به دلیل کمبود درآمد

۳۵ درصد پزشکان عمومی دیگر طبابت نمی کنند



پروژه جدید چین: مردم باید بیشتر مصرف کنند



احمد زیدآبادی در گفت وگو با عصر ایران:

نسل جدید اسرائیل تندروتر است / ۱۷ اکتبر به بقای دولت نتانیاهو نیز کمک کرد / مخالفین نتانیاهو در صورت رأی آوردن با آمریکا هماهنگ ترند



تغییر الگوی خرید خانوارهای ایرانی:

از کیفیت به کمیت؛ از تعویض به تعمیر؛ از ماهانه به روزانه



۱۰ نکتهٔ آموزنده از شانگهای برای تهران



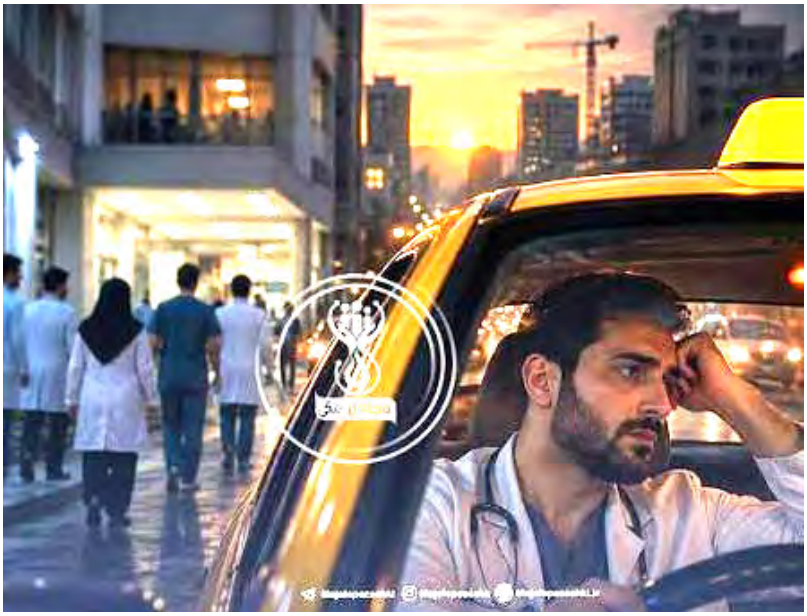
مردی که برای زنده ماندن دستگاه دیالیز خودش را ساخت؛ داستانی باورنکردنی از بی پولی و خلاقیت!



آیا خودروی پرنده تسلا فروش و ارزش سهام را بالا می برد؟

مسافرکشی پزشکان عمومی به دلیل کمبود درآمد

۳۵ درصد پزشکان عمومی دیگر طبابت نمی‌کنند



شرق/نسترن فرخه:

درآمد پایین و افزایش هزینه‌های مطب‌داری باعث شده بسیاری از پزشکان عمومی به مشاغلی همچون مسافرکشی و پرستاری از سالمند روی آورند؛ افرادی که در تصور عمومی، دستمزدهای بالایی دارند درحالی‌که حقوق ماهانه بیشتر آنها هم‌اکنون، بین ۲۵ تا ۳۵ میلیون تومان است.

آن‌طورکه بررسی‌ها نشان می‌دهد، در سال‌های اخیر بسیاری از آنها به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه‌های مطب، مجبور به تعطیلی و حتی کنارگذاشتن طبابت شده‌اند.

طبق گفته‌های رئیس انجمن پزشکان عمومی ایران، حدود ۳۵ درصد پزشکان عمومی دیگر طبابت نمی‌کنند و فعالیت‌های دیگری انجام می‌دهند.

همچنین سخنگوی سازمان نظام پزشکی با اشاره به موج بیکاری پزشکان، تأکید می‌کند پزشکان عمومی برای امرار معاش به سمت مسافرکشی در پلتفرم‌های تاکسی‌های اینترنتی رفته‌اند، درحالی‌که ویزیت پزشکان عمومی در سال ۱۴۰۵ برای بیمارستان دولتی، غیردولتی و خصوصی، به ترتیب ۱۴۰ هزار، ۲۴۵ هزار و ۳۶۸ هزار تومان است که با کسر درصد مراکز درمانی از ویزیت‌ها، درآمد پزشک تمام‌وقت کمتر از ۴۰ میلیون تومان می‌شود.

موضوع درآمد پزشکان از سال‌ها قبل موضوع بحث فعالان این حوزه بود و بارها در رسانه‌های مختلف درباره آن صحبت کردند، ولی حالا این مسئله با شرایط اقتصادی دشوارتری مواجه شده است.

بسیاری از پزشکان امروز بیش از ۵۰ ساعت در هفته و در مواردی تا ۷۰ ساعت، به‌ویژه در بخش‌های دولتی، مشغول فعالیت هستند. اضافه‌کار و ساعات کاری مازاد پزشکان معمولاً متناسب با میزان سختی کار و حتی در مقایسه با کارکنان سایر بخش‌ها محاسبه و پرداخت نمی‌شود.

لاری‌پور درباره دستیاران پزشکی که در سیستم درمان دیده نمی‌شوند نیز می‌گوید: «حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر از جامعه پزشکی کشور را دستیارانی تشکیل می‌دهند که دوره پزشکی عمومی خود را به پایان رسانده و در حال گذراندن دوره تخصصی هستند. این افراد به‌طور متوسط ۸۰ درصد بار درمانی مراکز دولتی را بر عهده دارند، اما دریافتی آن‌ها بین ۲۵ تا ۳۵ میلیون تومان است که بسته به وضعیت تأهل و شرایط فرد متفاوت است.

یعنی یک پزشک تحصیل‌کرده که مدرک دکتری دارد و در حال انجام کار تخصصی است، عددی بین ۲۵ تا ۳۵ میلیون تومان از دولت دریافت می‌کند. با این عدد، تقریباً هیچ‌کس انگیزه ندارد وارد برخی از رشته‌ها شود. به همین دلیل رشته‌هایی مانند جراحی قلب، جراحی اطفال، بیهوشی، عفونی و برخی رشته‌های داخلی همچنان با ظرفیت‌های خالی مواجه هستند. از طرفی، افزایش ظرفیت پزشکی در سال‌های اخیر، پیامدهایی را برای سال‌های آینده به همراه خواهد داشت. احتمالاً ۱۰ سال بعد بی‌شمار پزشک بیکار خواهیم داشت».

لاری‌پور در پاسخ به پرسشی درباره بیکاری پزشکان هم می‌گوید: «نرخ بیکاری در جامعه پزشکی همچنان نسبت به بسیاری از رشته‌های دیگر پایین‌تر است، اما مسئله اصلی، شیب افزایشی این روند است. افزایش تعطیلی مطب‌ها، درمانگاه‌ها و کلینیک‌ها به این دلیل است که دیگر از

نظر اقتصادی امکان ادامه فعالیت ندارند. این مسئله در شهرهای کوچک و مناطق اقماری پیامد مستقیم‌تری دارد؛ زیرا با تعطیلی یک مطب یا درمانگاه، دسترسی مردم به پزشک عمومی و متخصص کاهش می‌یابد و بیمار ناچار می‌شود برای دریافت خدمات به شهرهای بزرگ‌تر مراجعه کند. امروز بیش از ۵۰ هزار پزشک عمومی تقریباً از چرخه طبابت خارج هستند. این آمار صرفاً بر اساس پروانه مطب نیست؛ زیرا ممکن است پزشکی مطب نداشته باشد اما در بیمارستان یا مرکز درمانی فعالیت کند. شواهد نشان می‌دهد تعداد درخور توجهی از پزشکان عمومی دیگر در چرخه اصلی درمان حضور ندارند».

مسافرکشی پزشکان عمومی به دلیل کمبود درآمد

نکته دیگری که سخنگوی سازمان نظام پزشکی درباره آن توضیح می‌دهد، روی‌آوردن پزشکان به انجام اقدامات زیبایی است: «پزشک عمومی که کار زیبایی انجام می‌دهد، با زحمت کمتر درآمد بسیار بالاتری دارد؛ چون بسیاری از این خدمات عملاً تعرفه مشخصی ندارند. اما این کار باری از حجم بیماری‌های کشور کم نمی‌کند. بیماری‌های اصلی کشور، از فشار خون و دیابت گرفته تا تصادفات، تروما و بیماری‌های واگیر و غیرواگیر، همچنان نیازمند خدمات درمانی هستند».

لاری‌پور همچنین به دشواری ادامه فعالیت مستقل پزشکان اشاره می‌کند: «پس از پایان طرح اجباری که برای پزشکان عمومی حدود دو سال است، بسیاری از پزشکان دیگر توان راه‌اندازی مطب مستقل را ندارند. اجاره، مالیات، عوارض، پسماند، هزینه منشی و سایر هزینه‌ها را در نظر بگیرید؛ با این شرایط، مطب‌داری به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی تقریباً محال شده است. به همین دلیل، پزشکان به سمت مطب‌های گروهی رفته‌اند یا در کلینیک‌ها و درمانگاه‌های موجود فعالیت می‌کنند».

او درباره فعالیت گروهی از پزشکان در مشاغلی مانند مسافرکشی در تاکسی‌های اینترنتی تأکید می‌کند: «این مسئله به گوش سازمان نظام پزشکی رسیده است. تصور کنید پزشک جوانی با حقوق بین ۲۵ تا ۳۵ میلیون تومان که در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی می‌کند و شاید ازدواج هم کرده باشد، مجبور است در کنار شغل اولش، مسافرکشی کند. این موضوع در دو، سه سال گذشته چندین بار به مراجع ذی‌ربط، ازجمله کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، منتقل شده است. همه اینها در حالی است که تعرفه خدمات پزشکی در هند و پاکستان بیش از ۸ تا ۱۰ برابر ایران و در کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه به مراتب بالاتر است».

پروژه جدید چین: مردم باید بیشتر مصرف کنند

عصر ایران؛ علی خیرآبادی:

چین سال‌هاست برای رشد اقتصادی به پروژه‌های بزرگ عمرانی تکیه کرده است. از راه‌آهن و بزرگراه گرفته تا شهرهای جدید و نیروگاه‌ها، ساخت زیرساخت برای پکن هم ابزار ایجاد شغل بوده و هم راهی برای تزریق پول به اقتصاد.

حالا اما مشکل چین کمی متفاوت است. اقتصاد این کشور هنوز رشد می‌کند و کارخانه‌های چینی همچنان کالاهای زیادی به سراسر جهان می‌فروشند، اما مردم داخل چین به اندازه گذشته خرج نمی‌کنند. بحران طولانی بازار مسکن نیز اعتماد خانوارها را کاهش داده است. بخشی از مردم به جای خرید خانه، خودرو یا کالاهای گران‌قیمت، پول خود را پس‌انداز می‌کنند.

این وضعیت برای اقتصاد چین مشکل‌ساز است، چون وقتی مردم کمتر خرید می‌کنند، فروش شرکت‌ها پایین می‌آید، شرکت‌ها کمتر سرمایه‌گذاری می‌کنند و در نهایت استخدام و افزایش دستمزد هم ضعیف می‌شود.

تورم منفی چیست و چرا چین از آن می‌ترسد؟

یکی از نگرانی‌های اصلی پکن، چیزی است که اقتصاددان‌ها آن را «تورم منفی» می‌نامند.

تورم منفی در ساده‌ترین تعریف یعنی قیمت‌ها به جای افزایش، برای مدتی کاهش پیدا کنند. در نگاه اول ممکن است این اتفاق خوب به نظر برسد. چه کسی از ارزان شدن کالاها ناراضی است؟

مشکل زمانی شروع می‌شود که مردم و شرکت‌ها انتظار داشته باشند قیمت‌ها در آینده هم پایین‌تر بروند.

فرض کنید کسی قصد خرید یک یخچال ۱۰۰ میلیون تومانی دارد، اما تصور می‌کند سه ماه دیگر همان یخچال ۹۰ میلیون تومان خواهد بود. ممکن است خریدش را عقب بیندازد. اگر میلیون‌ها نفر و هزاران شرکت همین رفتار را تکرار کنند، فروش

کاهش می‌یابد.

در مرحله بعد، شرکت‌ها برای فروش بیشتر قیمت‌ها را پایین می‌آورند. درآمدشان کم می‌شود و تولید یا استخدام را کاهش دهند. کاهش درآمد مردم نیز دوباره مصرف را پایین می‌آورد و چرخه از نو شروع می‌شود.

چین دقیقاً نمی‌خواهد وارد چنین چرخه‌ای شود.

فشار تورمی در چین مدت‌هاست پایین است. طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، قیمت‌های تولیدکننده در این کشور از اکتبر ۲۰۲۲ در محدوده منفی قرار داشته و تا پایان ۲۰۲۵، این وضعیت ۳۹ ماه متوالی ادامه پیدا کرده بود. صندوق بین‌المللی پول ضعف تقاضای داخلی، بحران بازار مسکن و مازاد عرضه در برخی صنایع را از عوامل اصلی این وضعیت می‌داند.

پکن برای همین سراغ یک پروژه عظیم رفته است

دولت چین برنامه جدید خود را بر پایه چیزی که «شش شبکه» نامیده می‌شود، طراحی کرده است: آب، برق، زیرساخت‌های شهری، توان محاسباتی و مراکز داده، حمل‌ونقل و لجستیک و ارتباطات نسل جدید.

برآوردها نشان می‌دهد چین طی پنج سال آینده حدود ۶ تریلیون یوان برای پروژه‌های آب، ۵.۵ تریلیون یوان برای شبکه برق، ۵ تریلیون یوان برای لوله‌ها و زیرساخت‌های زیرزمینی شهری، ۴ تریلیون یوان برای مراکز داده، ۲.۷ تریلیون یوان برای لجستیک و دست‌کم ۱.۳ تریلیون یوان برای ارتباطات هزینه خواهد کرد.

اما این فقط یک پروژه برای ساخت‌وساز نیست. پکن امیدوار است با این کار هم پول وارد اقتصاد کند و هم زیرساخت‌هایی بسازد که در سال‌های آینده به آنها نیاز خواهد داشت.

دیوار بزرگ زیر زمین چه می‌کند؟

بخشی از این ایده را می‌توان در شهر جنوبی هنگ‌چین دید.

در زیر زمین این منطقه شبکه‌ای از تونل‌های بتنی ساخته شده که لوله‌های آب، کابل‌های برق و فیبرهای نوری را در خود جای داده‌اند. مقام‌های محلی به آن دیوار بزرگ زیرزمینی می‌گویند.

فایده آن ساده است. به جای اینکه برای هر تعمیر خیابان را بکنند و دوباره آسفالت کنند، تجهیزات مختلف در یک مسیر زیرزمینی قرار گرفته‌اند و تعمیرکاران می‌توانند به آنها دسترسی داشته باشند.

در این تونل‌ها حتی حسگرهایی برای تشخیص نشت آب و تجهیزات کنترل سیلاب نصب شده است. چین قصد دارد طی پنج سال حدود ۷۷۰ هزار کیلومتر از شبکه‌های لوله‌کشی خود را بسازد یا نوسازی کند.

در شبکه برق نیز هدف فقط افزایش ظرفیت نیست. چین در سال‌های اخیر مقدار زیادی انرژی خورشیدی و بادی تولید کرده است، اما تولید این انرژی‌ها همیشه ثابت نیست. خورشید شب‌ها نمی‌تابد و باد نیز همیشه نمی‌وزد.

بنابراین شبکه برق باید به اندازه‌ای پیشرفته باشد که بتواند برق تولیدشده در یک منطقه را ذخیره یا به مناطق دیگر منتقل کند.

چرا چین داده‌ها را از شرق به غرب می‌برد؟

یکی از عجیب‌ترین بخش‌های برنامه «شش شبکه»، ساخت مراکز داده در غرب چین است. بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و جمعیت چین در شرق و مناطق ساحلی متمرکز است و همین مناطق حجم عظیمی داده تولید می‌کنند. اما زمین و انرژی در بخش‌هایی از غرب کشور ارزان‌تر و در دسترس‌تر است.

پکن می‌خواهد بخشی از مراکز داده بزرگ خود را در مناطقی غربی کشورش ایجاد کند.

این مراکز فقط برای ذخیره اطلاعات نیستند. آنها زیرساخت مورد نیاز برای آموزش مدل‌های هوش مصنوعی، خودروهای خودران، ربات‌ها و پهپادها را نیز فراهم می‌کنند.

در واقع چین می‌خواهد شبکه برق، اینترنت، مراکز داده، حمل‌ونقل و هوش مصنوعی را به یکدیگر متصل کند.

برای مثال، هوش مصنوعی می‌تواند مصرف برق را پیش‌بینی کند؛ مراکز داده به برق و ارتباطات نیاز دارند و کارخانه‌های جدید نیز به همین شبکه‌ها وابسته خواهند بود.

اما یک مشکل قدیمی وجود دارد، چین قبلاً هم بیش از حد زیرساخت ساخته است. بعد از بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸، دولت چین برای جلوگیری از سقوط رشد اقتصادی یک بسته محرک بسیار بزرگ اجرا کرد. این برنامه اقتصاد را سرپا نگه داشت، اما هم‌زمان بدهی دولت‌های محلی را افزایش داد و در برخی مناطق پروژه‌هایی ساخته شد که استفاده اقتصادی آنها کمتر از هزینه ساختشان بود.

حالا پکن نمی‌خواهد همان داستان تکرار شود. دولت مرکزی قرار است نقش بیشتری در تأمین مالی و انتخاب پروژه‌ها داشته باشد و بخشی از هزینه‌ها از طریق شرکت‌های دولتی و بانک‌های سیاست‌گذار تأمین شود. هدف این است که پروژه‌های جدید به جای ساختن جاده، ساختمان یا شبکه‌ای صرفاً برای ایجاد رشد کوتاه‌مدت، زیرساختی ایجاد کنند که در آینده نیز مورد استفاده قرار بگیرد.

با این حال، هنوز یک سؤال مهم باقی است:

آیا تمام این ۲۵ تریلیون یوان واقعاً رشد اقتصادی ایجاد می‌کند؟

چرا مصرف چینی‌ها برای اقتصاد جهان مهم است؟

اینجا داستان از چین فراتر می‌رود. چین یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان جهان است. وقتی مردم چین کمتر خرید می‌کنند اما کارخانه‌های این کشور همچنان با ظرفیت بالا تولید می‌کنند، کالاهای بیشتری برای فروش در بازارهای خارجی باقی می‌ماند.

به زبان ساده، اگر چینی‌ها کمتر بخرند و کارخانه‌ها همچنان زیاد تولید کنند، چین باید بخش بیشتری از تولید خود را به کشورهای دیگر بفروشد.

همین اتفاق در سال‌های اخیر به افزایش مازاد تجاری چین کمک کرده است. صندوق بین‌المللی پول نیز می‌گوید ضعف تقاضای داخلی چین، در کنار صادرات قدرتمند، به ایجاد عدم تعادل در تجارت جهانی منجر شده است. این مسئله برای سایر کشورها اهمیت دارد.

فرض کنید چین در حجم بسیار بزرگی خودرو برقی، باتری، تجهیزات خورشیدی، فولاد یا کالاهای صنعتی تولید کند و بازار داخلی آن‌قدر بزرگ نباشد که همه این محصولات را مصرف کند. بخش بیشتری از این کالاها راهی بازارهای خارجی می‌شوند.

در چنین شرایطی تولیدکنندگان کشورهای دیگر ممکن است با کالاهای ارزان چینی رقابت سخت‌تری پیدا کنند. نتیجه می‌تواند افزایش فشار برای وضع تعرفه و محدودیت واردات باشد؛ اتفاقی که در سال‌های اخیر در روابط چین با آمریکا و اروپا نیز دیده شده است.

اما اگر دولت چین بتواند بخشی از پول و ظرفیت تولید را به اقتصاد داخلی برگرداند و مردم دوباره بیشتر مصرف کنند، وابستگی رشد چین به صادرات کمتر می‌شود.

اگر مردم به دلیل نگرانی درباره آینده کمتر خرج کنند، شرکت‌ها فروش کمتری خواهند داشت. اگر فروش کم شود، سرمایه‌گذاری و استخدام کاهش پیدا می‌کند. درآمد خانوارها نیز ضعیف‌تر می‌شود و مردم دوباره بیشتر پس‌انداز می‌کنند.

دولت می‌تواند در چنین شرایطی وارد عمل شود و با ساخت پروژه‌های عمومی، سفارش برای کارخانه‌ها و شرکت‌ها ایجاد کند، کارگران را به پروژه‌ها بفرستد و پول بیشتری وارد اقتصاد کند. این همان منطق قدیمی پروژه‌های عمومی در دوره‌های رکود است: اگر مردم و شرکت‌ها کمتر خرج می‌کنند، دولت می‌تواند برای مدتی جای آنها را در اقتصاد پر کند.

اما تفاوت مهم چین این است که پکن می‌خواهد این پول را صرف زیرساخت‌هایی کند که در آینده نیز به کار اقتصاد بیایند. اگر موفق شود، چین هم تقاضای داخلی خود را تقویت کرده، هم شبکه برق و آب خود را نوسازی کرده، هم زیرساخت هوش مصنوعی و اقتصاد دیجیتال را توسعه داده و هم فشار ناشی از وابستگی به صادرات را کاهش داده است.

اما اگر این پروژه‌ها به ساخت زیرساخت‌های غیرضروری، بدهی بیشتر و ظرفیت تولید اضافی منجر شوند، ممکن است نتیجه کاملاً متفاوت باشد.

سؤال اصلی این است که چین با این پول چه چیزی می‌سازد و آیا آنچه می‌سازد واقعاً برای اقتصاد آینده این کشور لازم است یا نه، چیزی که پاسخ آن تأثیر زیادی روی اقتصاد جهانی خواهد داشت.





احمد زیدآبادی در گفت‌وگو با عصر ایران:

نسل جدید اسرائیل تندروتر است / ۱۷ اکتبر به بقای دولت نتانیاهو نیز کمک کرد / مخالفین نتانیاهو در صورت رأی آوردن با آمریکا هماهنگ ترند

انتخابات مجلس اسرائیل روز ۲۷ اکتبر در شرایطی برگزار می‌شود که حمله ۷ اکتبر، جنگ غزه، تقابل نظامی با ایران و اختلافات داخلی بر سر مسائلی مانند سربازی حریدی‌ها، فضای سیاسی آن را تحت تأثیر قرار داده است. در چنین شرایطی، پرسش اصلی فقط این نیست که آیا بنیامین نتانیاهو قدرت را حفظ خواهد کرد یا نه؛ مسئله مهم‌تر این است که جامعه اسرائیل پس از این تحولات به چه سمتی حرکت کرده و تغییر احتمالی دولت / کابینه چه اثری بر سیاست خارجی تل آویو خواهد گذاشت.

در زیر گزیده گفتگوی عصر ایران با احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار و تحلیلگر مسائل سیاسی در مورد تغییرات عمیق در نگرش جامعه اسرائیل پس از ۱۷ اکتبر آمده است:

- ۱۷ اکتبر جامعه اسرائیل را به‌شدت تکان داد و تأثیرات عمیقی بر ذهنیت مردم این کشور گذاشت. در اسرائیل، معمولاً بیش از نیمی از جمعیت یا دست‌کم بخش بزرگی از آن، از یافتن راهی مسالمت‌آمیز برای همزیستی با فلسطینی‌ها، از طریق جدایی سرزمینی یا راه‌حل دوکشوری، حمایت می‌کردند. اما ۷ اکتبر بخش قابل توجهی از جامعه اسرائیل را به سمت تندروی بیشتر سوق داد و باعث شد بسیاری از مردم نسبت به امکان همزیستی با فلسطینی‌ها بدبین شوند. در نتیجه، تعادل پیشین در افکار عمومی اسرائیل تا حد زیادی از بین رفته و گرایش به جریان‌های تندرو و افراطی افزایش یافته است. به نظر می‌رسد راه‌حل دوکشوری اکنون طرفداران بسیار کمتری در جامعه اسرائیل دارد و حمایت از آن به حدود یک‌چهارم جمعیت یا کمتر رسیده است. با این حال، مسئله اینجاست که راه‌حل جایگزین روشنی نیز وجود ندارد.

- از نظر سیاسی، ۷ اکتبر به بقای دولت نتانیاهو کمک کرد. دولت او پیش از این واقعه با بحران‌های جدی و اعتراضات خیابانی گسترده روبرو بود، اما جنگ و شرایط امنیتی پس از آن به او امکان داد تا حدود زیادی در قدرت باقی بماند.

- نحوه مواجهه نتانیاهو با حمله ۷ اکتبر به یکی از نقاط ضعف او تبدیل شده است. منتقدانش معتقدند که او تهدید را نادیده گرفته، ابعاد آن را به‌درستی ارزیابی نکرده و نتوانسته است واکنش مناسبی در برابر آن نشان دهد.

- نارضایتی از نتانیاهو وجود دارد، اما این نارضایتی به معنای تغییر کامل نگاه جامعه اسرائیل به او نیست.

نتانیاهو سال‌های طولانی نخست‌وزیر بوده و در گذشته به‌عنوان چهره‌ای برخوردار از توانایی تأمین امنیت شناخته می‌شده است. موقعیت او در مقاطعی بسیار مستحکم بود و فاصله‌اش با دیگر چهره‌های سیاسی برای رهبری اسرائیل قابل توجه به نظر می‌رسید.

- جنگ با ایران در جامعه اسرائیل به اندازه برخی مسائل دیگر محل مناقشه نیست و به نظر می‌رسد در این زمینه توافق بیشتری وجود دارد. حتی درباره جنگ غزه نیز نارضایتی عمومی لزوماً به معنای مخالفت گسترده با اصل جنگ نیست. آنچه به‌ویژه برای نتانیاهو محل انتقاد قرار گرفته، مسئولیت او در پیشگیری از حمله ۷ اکتبر و ناتوانی در پیش‌بینی آن است.

- در مورد ایران نمی‌توان صرفاً بر اساس تغییر نخست‌وزیر نتیجه گرفت که سیاست اسرائیل الزاماً دگرگون خواهد شد. باید دید دولت جدید چه ترکیبی خواهد داشت و چه سیاستی را در عمل دنبال خواهد کرد.

با این حال، یکی از پیامدهای احتمالی تغییر دولت در اسرائیل می‌تواند به روابط این کشور با دیگر کشورهای منطقه مربوط باشد؛ موضوعی که از منظر ایران نیز اهمیت دارد.

- به نظر من، [با تغییر دولت در اسرائیل] در چشم‌اندازی که اکنون می‌توان ترسیم کرد، لزوماً دلیلی وجود ندارد که سطح تنش اسرائیل با قطر و ترکیه افزایش یابد. حتی اگر ائتلاف جدید بخواهد در قبال مسئله فلسطین مقداری نرمش نشان دهد، این احتمال وجود دارد که روابط اسرائیل با این دو کشور و همچنین مجموعه‌ای از کشورهای عربی مانند مصر، عربستان و اردن بهتر شود.

در چنین شرایطی، تغییر دولت در اسرائیل ممکن است از این جهت برای جمهوری اسلامی مسئله‌ساز باشد که اگر ایران بخواهد سیاست‌های فعلی خود را ادامه دهد، احتمال دارد در منطقه تنهاتر شود و برخی کشورهای منطقه همگرایی بیشتری با اسرائیل پیدا کنند.

تغییر الگوی خرید خانوارهای ایرانی:

از کیفیت به کمیت؛ از تعویض به تعمیر؛ از ماهانه به روزانه

روزنامه جمهوری اسلامی:
افزایش هزینه‌های زندگی، تغییر اولویت‌های مصرف و گسترش خریدهای اقتصادی، سبد خرید خانوارهای ایرانی را دگرگون کرده است، تغییری که تنها به کوچک‌تر شدن سبد مصرف محدود نمی‌شود، بلکه سبک زندگی، رفتار اقتصادی و حتی آینده تولید را تحت تأثیر قرار داده‌است.

در سال‌های گذشته مشاهده می‌شد خرید خانوارهای ایرانی بیشتر بر مبنای ترجیح بود و نه بر پایه ضرورت.

در گذشته اغلب خانواده‌ها هنگام خرید چند نشان تجاری را با هم مقایسه می‌کردند و کیفیت آن را در کنار قیمت ارزیابی کرده و سپس اقدام به خرید محصول می‌کردند. اما امروزه این معادله و روش تغییر اساسی کرده است. اکنون اولین سؤال بسیاری از خریداران نه «کدام نشان بهتر است» بلکه «کدام کالا ارزان‌تر است» یا آیا حتی «اصلا می‌توانیم آن را بخریم» است.

این تغییر فقط یک دگرگونی معمولی رفتار مصرف کننده‌ها نیست، بلکه نشان می‌دهد تحولات عمیقی در بخش اقتصادی و اجتماعی جامعه رخ داده است. اغلب کارشناسان بر این عقیده هستند که هرگاه درآمد خانوار با سرعتی کمتر از هزینه‌های زندگی افزایش یابد، الگوی مصرف نیز تغییر خواهد کرد.

این اوضاع ابتدا باعث حذف هزینه‌های غیر ضروری در خانواده می‌شود و سپس خانوار به سراغ کالاهای ارزان تر می‌رود ودرآخر هم مصرف خیلی از کالا را به تعویق انداخته و یا به طور کامل حذف می‌کنند.

سبد خرید هرسال کوچکتر از سال قبل

با بررسی وضعیت بازار می‌توان متوجه شد سهم کالاهای ضروری در سبد خرید خانوارها نسبت به گذشته افزایش یافته است. در مقابل، خرید کالاهای بادوام مانند لوازم خانگی، مبلمان، فرش، لوازم الکترونیکی و حتی پوشاک باکیفیت، بیش از گذشته به تأخیر می‌افتد.. بسیاری از خانواده‌ها ترجیح می‌دهند به جای خرید کالای جدید، وسایل قدیمی را تعمیر کنند یا از کالاهای دست‌دوم استفاده کنند.

این تغییر رفتار فقط مختص به کالاهای گران قیمت نمی‌شود، بلکه در بازار مواد غذایی نیز رفتار مصرف کنندگان دچار تغییرات زیادی شده است. بساری از خریداران به جای انتخاب کالاهای شناخته شده به سراغ محصولات اقتصادی یا بسته بندی‌های کوچک‌تر می‌روند. گروهی نیز تعداد دفعات خرید را کاهش داده و تنها اقلام ضروری را خریداری و تهیه می‌نمایند.

قیمت مهم‌ترین معیار انتخاب

زمانی که قیمت، مهمترین عامل در تصمیم‌گیری خریدار می‌شود اقتصاددانان از آن با واژه‌ای به نام «حساسیت قیمتی» یاد می‌کنند.هرچه فشار اقتصادی بیشتر باشد این حساسیت نیز افزایش می‌یابد. در بازار امروز ایران، قیمت به مهم‌ترین معیار انتخاب تبدیل شده‌است.

اغلب خانوارها دیگر به دنبال محصولی نیستند که بهترین کیفیت را داشته بلکه به دنبال مناسب‌ترین قیمت هستند همین موضوع باعث شده فروش کالاهای اقتصادی، تخفیف‌دار و اقساطی رشد بیشتری نسبت به کالاهای لوکس داشته باشند.این شرایط باعث می‌شود مصرف‌کننده‌ای که سالها از یک نشان معروف و شناخته شده استفاده می‌کرده دست کشیده و اکنون فقط به دلیل اختلاف قیمت کالا، نشان دیگری را انتخاب کند. این تغییر رفتار تولید کنندگان را نیز ناچار با بازنگری در سیاست‌های فروش و قیمت‌گذاری کرده‌است.

از خرید ماهانه تا خرید روزانه

تغییر زمان بندی خریدها نیز یکی دیگر از نشانه‌های تغییر الگوی مصرف در خانوارها می‌باشد. در گذشته بیشتر خانواده‌ها خریدهای خود را به صورت ماهانه انجام می‌دادند اما امروزه تعداد قابل توجهی از مردم ترجیح می‌دهند خریدهای خود را به صورت هفتگی یا حتی روزانه انجام دهند.

کارشناسان اعتقاد دارند این رفتار ۲ علت اساسی دارد، اول محدودبودن نقدینگی خانوارها و دوم نوسان قیمت‌ها.

وقتی هزینه‌ها مدام افزایش می‌یابد ودرمقابل درآمد ثابت است خانواده‌ها ترجیح می‌دهند برای این که مدیریت بهتری بر هزینه‌هایشان داشته باشند پول

خود را به تدریج خرج کنند. ازسوی دیگر، خریدهای کوچک‌تر باعث می‌شود خانوارها راحت‌تر بتوانند هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده را کنترل کنند، هرچند این شیوه خرید در بسیاری موارد هزینه نهایی بیشتری نیز به همراه دارد.

ظهور فرهنگ تعمیر به جای تعویض

رونق دوباره تعمیرات را می‌توان یکی دیگر از مهم‌ترین پیامدهای تغییر الگوی خرید دانست. تعمیر تلفن همراه، لوازم خانگی، کفش، کیف و حتی مبلمان در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است.

فعالان این حوزه می‌گویند مراجعه مردم برای تعمیر وسایل نسبت به چند سال قبل بیشتر شده و بسیاری ازآنها ترجیح می‌دهند به جای خرید کالای جدید، وسایل خود را تعمیر کرده تا بتوانند چند سال دیگر از آنها استفاده کنند.

این موضوع اگرچه از نگاه مدیریت منابع و کاهش پسماند اقدامی مثبت تلقی می‌شود، ازسوی دیگر می‌تواند این موضوع را نشان دهد که بخش قابل توجهی از خانواده‌ها توان جایگزینی کالاهای مصرفی خود را ندارند و این مسئله می‌تواند در بلند مدت بر بازار تولید و فروش این محصولات اثر گذار باشد.

در سال‌های اخیر، تغییر الگوی خرید خانوار تنها به کوچک‌تر شدن سبد مصرف محدود نمانده، بلکه شیوه خرید نیز دچار تغییراتی شده است. اگر تا چند سال پیش حضور در بازارهای سنتی و مراکز خرید، بخش اصلی رفتار مصرف‌کنندگان را تشکیل می‌داد، امروز خرید اینترنتی، فروش‌های تخفیفی، جشنواره‌های آنلاین و خرید اقساطی به بخش مهمی از اقتصاد خانوار تبدیل شده‌اند.

این تغییر، قبل از آنکه ناشی از پیشرفت فناوری باشد نتیجه تلاش خانوارها برای مدیریت بهتر هزینه هاست. اغلب خانواده‌ها پیش از آنکه یک کالا را خریداری کنند قیمت آن را در چند فروشگاه اینترنتی مقایسه می‌کنند و تنها زمانی خرید خود را نهایی می‌کنند که از مناسب بودن قیمت اطمینان پیدا کنند. این رفتار که در اقتصاد از آن با عنوان «مصرف آگاهانه» یاد می‌شود، در ایران بیش از هر چیز تحت تأثیر فشار هزینه‌های زندگی شکل گرفته است.

خرید اقساطی، از انتخاب تا ضرورت

گسترش خرید اقساطی را می‌توان یکی از پدیده‌های قابل توجه دانست. در گذشته شاهد بودیم که خرید قسطی بیشتر برای کالاهای گران قیمت مانند خودرو و یا لوازم خانگی رواج داشت اما امروزه، دامنه آن به تلفن همراه، پوشاک، لوازم دیجیتال و حتی برخی کالاهای مصرفی نیز رسیده است.

به گفته فعالان بازار، بسیاری از مشتریان دیگر نمی‌پرسند «قیمت نقدی چقدر است؟» بلکه نخستین سؤالشان این است که «چند قسط دارد؟» این تغییر نشان می‌دهد قدرت خرید نقدی کاهش یافته و خانوارها برای حفظ سطح زندگی خود، ناچار به استفاده از ابزارهای اعتباری شده‌اند.

البته اقتصاددانان هشدار می‌دهند اگر درآمد خانوار متناسب با تعهدات اقساطی افزایش پیدا نکند، این روند می‌تواند به افزایش بدهی خانوارها و کاهش توان مالی آنها در آینده منجر شود.



رونق بازار کالاهای دست‌دوم

رشد بازار کالاهای دست دوم یکی دیگر از نتایج تغییر الگوی خرید است. خریدو فروش وسایل کارکرده امروزه دیگر تنها محدود به خودرو نیست.از یخچال و ماشین لباسشویی گرفته تا مبلمان، تلفن همراه و لپ تاپ و حتی پوشاک همگی در این بازارمشتری‌های خود را دارند.

این بازار برای بخشی از جامعه فرصتی برای خرید ارزان‌تر فراهم کرده است، اما در عین حال نشان می‌دهد که بسیاری از خانواده‌ها دیگر توان خرید کالای نو را ندارند. در چنین شرایطی، کالاهای دست‌دوم از یک انتخاب اقتصادی به یک ضرورت معیشتی تبدیل می‌شوند.

تغییر به تولید کنندگان هم رسید

وقتی رفتار مصرف کنندگان تغییرمی کند، تولید کنندگان نیز وادار به بازنگری در سیاست‌های خود می‌شوند. بسیاری از شرکت‌ها بسته بندی‌های کوچک‌تر، محصولات اقتصادی‌تر و طرح‌های فروش اقساطی را در دستور کار خود قرار می‌دهند تا بتوانند مشتریان خود را حفظ کنند. برخی تولید کنندگان نیز با کاهش سود و یا تخفیف‌های دوره‌ای تلاش می‌کنند از افت تقاضا جلوگیری کنند.

با این حال در صورت ادامه این وضعیت سرمایه‌گذاری در تولید با مشکل مواجه می‌شود زیرا با کاهش قدرت خرید مردم، انگیزه تولید برای کالاهای بادوام و باکیفیت را نیز کاهش می‌یابد.

تغییری که فقط اقتصادی نیست

جامعه‌شناسان معتقدند تغییر الگوی خرید تنها یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه بر فرهنگ، روابط اجتماعی و سبک زندگی نیز اثر می‌گذارد. وقتی خانواده‌ها ناچار می‌شوند بخش بیشتری از درآمد خود را صرف هزینه‌های ضروری کنند، سهم تفریح، سفر، فعالیت‌های فرهنگی، آموزش و حتی پس‌انداز کاهش می‌یابد.

این روند در بلندمدت می‌تواند بر کیفیت زندگی، امید به آینده و حتی الگوی مصرف نسل‌های بعدی اثرگذار باشد.

در شرایط فعلی، جبران هزینه‌های اقتصادی و معیشتی به دغدغه اصلی اکثر خانواده‌ها تبدیل شده و پرداختن به ابعاد دیگر زندگی مانند فراگیری مهارت‌های فردی، تفریح و سرگرمی و یا حتی پیگیری روند درمان برای برخی خانواده‌ها تحت تأثیر همین مشکلات اقتصادی قرار گرفته و کنار گذاشته شده‌اند.

جمع‌بندی

تغییر الگوی خرید خانوارهای ایرانی، تنها جابه‌جایی چند قلم کالا در سبد مصرف نیست، بلکه نشانه‌ای از تغییرات عمیق در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور است. امروز بسیاری از خانواده‌ها بیش از گذشته قیمت را بر کیفیت ترجیح می‌دهند، خریدهای خود را به تعویق می‌اندازند، کالاهای دست‌دوم می‌خرند یا وسایل قدیمی را تعمیر می‌کنند.

این رفتارها، اگرچه راهی برای سازگاری با شرایط اقتصادی هستند، اما در بلندمدت پیامدهایی برای تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال و کیفیت زندگی خواهند داشت. از همین رو، آینده بازار مصرف ایران بیش از هر زمان دیگری به ثبات اقتصادی، تقویت قدرت خرید مردم، کاهش نابرابری و ایجاد چشم‌اندازی قابل پیش‌بینی برای خانوارها و فعالان اقتصادی وابسته است.

تنها در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که انتخاب مصرف‌کنندگان دوباره از «کمترین قیمت» به سمت «بهترین کیفیت و بیشترین ارزش» حرکت کند.

۱۰ نکتهٔ آموزنده از شانگهای برای تهران

عصر ایران؛امید خزانی

در سفری دو هفته‌ای به چین- که بیشتر آن در شانگهای سپری شد- چندین نکتهٔ درس‌آموز از این کلان‌شهر مهم برای تهران بزرگ می‌شود گوش‌زد کرد تا شاید در بهبود زندگی در تهران مؤثر باشد:

۱. شانگهای یکی از کلان‌شهر های مهم چین است با ۲۴ میلیون جمعیت. (بیش از مجموع جمعیت ۳ کلان‌شهر ما: تهران و مشهد و اصفهان). با این حال شما مطلقا در این شهر حس نمی‌کنید در کلان‌شهری زندگی می کنید که با دود و ترافیک و بوق خودرو و استرس‌ها و بیماری‌های توأم با آن گره خورده باشد!

۲. به جرئت می‌توان گفت حتی در مناطق نسبتاً پرازدحام و پرترافیک شهر مطلقاً حس آلودگی و بوی بنزین و گازوییل به مشام نمی‌رسد. این شهر عظیم به طرزی باورنکردنی پاکیزه است تا جایی که شاید بتوان ادعا کرد هیچ یک از کلان‌شهرهای اروپایی (شهر بالای ۴ میلیون جمعیت) در سطح کاهش تولید کربن نمی‌تواند با این شهر رقابت کند. چون استفاده از خودروهای الکتریکی و حمل و نقل عمومی در این شهر معجزه کرده است.

۳. در یک نگاه اجمالی به وضوح می‌شود دید که از هر ۱۰ خودرو شخصی دست کم ۸ خودرو الکتریکی EV است. خودروهایی بدون آلودگی کربنی و حتی آلودگی صوتی. به ندرت خودرو بنزینی دیده می شود. تقریبا ۹۰ درصد خودرو های EV هم برندهای مختلف چینی‌اند

واکثرشان در ایران ناشناخته.

۴. اگر دغدغه محیط زیستی و نجات کلان‌شهرهای ما خصوصاً تهران جدی است می‌توان ورود این خودروها را تسهیل کرد. اکثر این برندهای الکتریکی در محدوده قیمتی ۶۰ الی ۸۰ هزار یوان (معادل ۸ الی ۱۰ هزار دلار) است و دولت ما نباید بر درآمد حاصل از عوارض واردات خودروهای برقی و هیبریدی طمع کند! چون چندین برابر آن را باید صرف درمان بیماری‌های ساکنان کلان‌شهرها کند!

۵. با این که در شانگهای بنزین با اکتان زیر ۹۲ عرضه نمی‌شود و قیمت بنزین در محدوده ۹ یوان الی ۱۲ یوان (۳۶۰الی ۵۰۰هزار تومان) است اما دغدغه عمومی نیست چون خودروهای برقی به‌وفور مهیاست.

۶. به رغم اینکه موتورسواران زن و مرد به وفور در این شهر دیده می شود شما مطلقا موتورسیکلت بنزینی نمی‌بینید و تقریبا ۱۰۰ درصد موتورسیکلت ها برقی است و دریغ از یک صدای آزاردهنده!

گفته می شود یکی از علت‌های اصلی آلودگی تهران موتورسیکلت‌های فرسوده‌اند. آیا شهرداری تهران نمی‌تواند با بودجه عظیم خود استفاده از موتورسیکلت‌های برقی را که به زندگی اکثر مردم گره خورده تسهیل کند؟

۷. توسعهٔ برج‌ها و آسمان‌خراش‌ها در این کلان‌شهر مدرن هویت دیداری و ملی را از بین نبرده زیرا فضای سبز و پیاده‌راه هم سخاوت‌مندانه توسعه یافته به اضافهٔ پارک و باغ‌های نمادین چینی.

۸. شبکه حمل و نقل عمومی بی‌نظیر است. مترو شانگهای بحدی گسترده و سهل‌الوصول است که در هر جای این کلان شهر ۶۵۰۰ کیلومتر (مربعی) باشید با نزدیک‌ترین ایستگاه کمتر از ۵ دقیقه پیاده فاصله است و با هزینه‌ای بسیار ارزان می‌شود تقریباً به همه جای این شهر و حومه تردد کرد. دوچرخه و اسکوترهای برقی به وفور همه جا دیده می‌شود که با یک یوآن می‌شود استفاده کرد. سیستم



اتوبوس‌رانی شهر هم کاملاً پیشرفته و تمام برقی است.

۹. شانگهای دو فرودگاه بزرگ و مهم دارد اما جالب است بدانیم ۱۰ ایستگاه قطار بسیار بزرگ دارد و برخی از آنها شاید حتی به بزرگی فرودگاه پودونگ باشند. یکی از رموز موفقیت این شهر و و شهرهای مشابه در سیستم راه آهن آنها نهفته است. توسعه شهری از نظر کنترل مسکن و کنترل آلودگی بدون تمرکززدایی ممکن نیست و تمرکززدایی وابسته به توسعه حمل و نقل ریلی است.

قطار های سریع‌السیر این ایستگاه فاصله شهرهای اقماری و حتی شهرهای بزرگ اطراف با این ابرشهرها را به چند دقیقه رسانده‌اند! برای مثال فاصله شانگهای تا هانگژو - حدود ۱۸۰ کیلومتر - را در حدود ۴۰ دقیقه می‌توان پیمود و تا شهرهای اقماری در فاصله ۵۰ تا ۱۰۰ کیلومتری را در یک ربع ساعت. تعداد قطار به برخی مسیرها آن قدر زیاد است که شما هر ۱۰ دقیقه به برخی مسیرها می‌توانید قطار بیابید. حل معضل آلودگی تهران و همچنین اَبَرمشکل مسکن تهران در توسعه راه‌آهن نهفته است.

۱۰. نکته آخر اینکه دولت چین و علی‌الخصوص مدیریت شانگهای تسهیلات گسترده‌ای برای استفاده از ساعت هوشمند در اختیار به شهروندان قرار می‌دهد. از طریق این ساعت‌های هوشمند برنامه پایش سلامت از طریق appهای محلی چین برنامهٔ حرکت قطارها و فستیوال‌ها و دیگر خدمات و برنامه‌ها به شهروندان ارایه می‌شود.

معجزه‌ای که به یاری مدیریت و نظم و فناوری در این شهر رخ داده تحسین‌برانگیز است. شاید تحول فضای شهری مثل تهران در کوتاه مدت امکان‌پذیر نباشد اما برخی تصمیم‌ها و استفاده درست از تکنولوژی وارداتی سبز می‌توانند چهره شهر و زندگی میلیون‌ها انسان و باشندهٔ کلان‌شهر تهران را نیز تغییر دهند.

مردی که برای زنده ماندن دستگاه دیالیز خودش را ساخت؛ داستانی باورنکردنی از بی پولی و خلاقیت!



عصر ایران:

در سال ۲۰۱۳، داستان مردی چینی به نام هو سونگ ون توجه رسانه ها را به خود جلب کرد؛ مردی که پس از تمام شدن پس انداز خانواده‌اش و ناتوانی در پرداخت هزینه‌های دیالیز بیمارستانی، تصمیم گرفت راه دیگری برای ادامه زندگی پیدا کند. او با مطالعه اصول دیالیز و استفاده از وسایل پزشکی دست دوم و لوازم معمولی خانه، دستگاهی ابتدایی ساخت که بنا بر گزارش‌های منتشر شده، حدود ۱۳ سال برای انجام دیالیز از آن استفاده کرد.

ماجرای او در نگاه اول، داستانی درباره ابتکار و اراده انسانی به نظر می‌رسد؛ اما در پس این تلاش شگفت‌انگیز، واقعیتی تلخ درباره هزینه‌های درمان و دشواری دسترسی به مراقبت های پزشکی طولانی مدت وجود داشت.

تشخیص نارسایی کلیه در دوران دانشجویی

هو سونگ ون در سال ۱۹۹۳، زمانی که ۲۱ سال داشت و در مؤسسه هواشناسی نانجینگ چین تحصیل می‌کرد، به شدت بیمار شد. تورم صورت، مشکل در دفع ادرار و ضعف جسمانی از جمله علائمی بودند که وضعیت او را نگران کنندکردند. پس از مراجعه به پزشک، مشخص شد که هر دو کلیه او از کار افتاده‌اند و به بیماری اورمی، مرتبط با نارسایی پیشرفته کلیه، مبتلا شده است.

برای ادامه زندگی، هو به دیالیز خونی منظم نیاز داشت؛ روشی که در آن خون از بدن خارج می شود، از یک فیلتر ویژه عبور می کند تا مواد زائد و مایعات اضافی آن گرفته شوند و سپس به بدن بازگردانده می‌شود.

اما ادامه این درمان هزینه سنگینی بر خانواده او تحمیل کرد. طبق گزارش‌های رسانه‌ای آن زمان، هزینه هر جلسه دیالیز در بیمارستان حدود ۴۰۰ یوان بود، در حالی که درآمد ماهانه والدینش کمتر از ۱۵۰۰ یوان گزارش شده بود. خانواده برای تأمین هزینه ها دارایی های خود را فروختند و از بستگان پول قرض گرفتند، اما پس از حدود شش سال، دیگر توان پرداخت هزینه های درمان را نداشتند.

وقتی هزینه درمان به مانعی برای زنده ماندن تبدیل شد

برای بیمارانی که کلیه هایشان عملکرد طبیعی خود را از دست داده است، دیالیز می تواند درمانی حیاتی باشد. این درمان معمولاً باید به صورت منظم و در بازه های زمانی مشخص انجام شود؛ بنابراین هزینه آن فقط به یک یا چند جلسه محدود نمی شود، بلکه می تواند برای سال ها ادامه پیدا کند.

برای هو سونگ ون نیز مسئله همین بود. او نمی توانست درمان مورد نیازش را به طور معمول ادامه دهد و در عین حال، راهی برای تأمین هزینه های آن نداشت. در

چنین شرایطی، به جای تسلیم شدن در برابر وضعیت موجود، تلاش کرد سازوکار دیالیز را یاد بگیرد و راهی برای انجام آن در خانه پیدا کند.

او با مطالعه منابع مرتبط و تکیه بر دانسته های خود در زمینه هایی مانند شیمی و فیزیک، به بررسی چگونگی تصفیه خون پرداخت. هدفش ساخت دستگاهی نبود که از نظر فناوری با تجهیزات بیمارستانی رقابت کند؛ او می‌خواست راهی برای ادامه درمان پیدا کند، آن هم در شرایطی که هزینه های پزشکی عملاً خانواده اش را از ادامه مسیر بازداشته بود.

دستگاه دیالیز دست ساز چگونه شکل گرفت؟

بر اساس گزارش های منتشر شده در رسانه های چینی، هو در دهه ۱۹۹۰ شروع به آزمایش و سرهم کردن تجهیزات مورد نیاز کرد. او از قطعات پزشکی دست دوم، پمپ خون، لوله ها و وسایل خانگی استفاده کرد و مجموعه ای ابتدایی برای انجام فرایند دیالیز ساخت.

گزارش روزنامه چاینا دیلی، آغاز کار دستگاه دست ساز او را به ۳۱ مارس ۱۹۹۹ نسبت داده است. محل انجام این کار، حمامی کوچک با مساحتی کمتر از پنج مترمربع بود؛ فضایی محدود که به محل انجام درمانی حیاتی تبدیل شد.

در گزارش ها آمده است که هو برای آماده سازی محلول دیالیز از آب تصفیه شده و ترکیبات شیمیایی استفاده می کرد و مادرش نیز در برخی مراحل، از جمله اندازه گیری محلول، به او کمک می کرد. وسایل مورد استفاده در این مجموعه به تجهیزات پزشکی محدود نبود و برخی لوازم معمولی خانه نیز در آن به کار گرفته شده بودند.

با این حال، این مجموعه را نباید با یک دستگاه استاندارد دیالیز اشتباه گرفت. تجهیزات پزشکی حرفه ای برای کنترل دقیق شرایط درمان، کیفیت آب و محلول، جریان خون و پیشگیری از عوارض احتمالی طراحی شده اند. کنار هم قرار دادن چند قطعه و وسیله خانگی، به خودی خود نمی تواند چنین سطحی از ایمنی را تضمین کند.

۱۳سال دیالیز در خانه

در ژانویه ۲۰۱۳، رسانه ها گزارش دادند که هو سونگ ون حدود ۱۳ سال است با استفاده از دستگاه دست ساز خود دیالیز انجام می دهد. طبق این گزارش ها، او معمولاً سه بار در هفته تحت این فرایند قرار می گرفت؛ برنامه ای که نشان می داد این کار برای او به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده بود.

هزینه هر نوبت دیالیز خانگی او حدود ۶۰ یوان گزارش شده بود؛ مبلغی بسیار کمتر از هزینه تقریبی ۴۰۰ یوانی درمان در بیمارستان. این اختلاف هزینه، دلیل اصلی روی آوردن او به چنین روشی بود.

در برخی گزارش ها همچنین اشاره شده است که او برای کاهش بیشتر هزینه ها، بعضی از لوله ها و تجهیزات مصرفی را دوباره استفاده می کرد؛ کاری که خطر آلودگی و عفونت را افزایش می دهد. هو حتی در سال ۲۰۱۲ ویدئویی از انجام دیالیز در خانه منتشر کرد؛ اقدامی که بخشی از هدف آن، جلب توجه دیگران به شرایطش و یافتن امکان های بهتر برای درمان بود.

انتشار تصاویر و گزارش های مربوط به زندگی او، این داستان را از یک تجربه شخصی فراتر برد و آن را به موضوعی مورد توجه در رسانه‌های چین و دیگر کشورها تبدیل کرد.

چرا پزشکان درباره روش او هشدار دادند؟

با وجود آنکه هو توانسته بود سال‌ها از این دستگاه استفاده کند، پزشکان روش او را جایگزینی ایمن برای دیالیز تحت نظارت متخصصان نمی‌دانستند. انجام دیالیز خونی بدون تجهیزات استاندارد و کنترل پزشکی می تواند با عوارض جدی همراه باشد؛ از جمله عفونت، ورود هوا به جریان خون، اختلال در ترکیب محلول دیالیز و مشکلات ناشی از تنظیم نادرست فرایند درمان.

در یکی از گزارش‌های منتشر شده، به حادثه‌ای اشاره شده است که در پی آماده‌سازی نادرست محلول، هو با درد در محل ورود لوله و تغییر رنگ خون مواجه شد. این اتفاق نشان می داد که حتی خطایی در آماده‌سازی یا اجرای فرایند می‌تواند پیامدهای خطرناکی به دنبال داشته باشد.

سان وی، متخصص کلیه در چین، نیز درباره خطرهای استفاده از تجهیزات دست ساز و استفاده مجدد از برخی وسایل هشدار داده بود. به گفته متخصصان، کنترل دقیق شرایط دیالیز ضروری است و تجربه یک فرد نمی تواند ایمنی چنین روشی را برای دیگران تضمین کند.

گزارش هایی نیز درباره افرادی منتشر شد که پس از تلاش برای استفاده از روش های مشابه جان باخته بودند؛ هرچند جزئیات این موارد در منابع موجود به طور مستقل تأیید نشده‌اند.

هو نیز تمایلی نداشت دیگر بیماران کلیوی از روش او تقلید کنند، زیرا می دانست که آن ها ممکن است با همان خطرهایی روبه رو شوند که خودش تجربه کرده بود.

تنظیم و ترجمه:
محمدمهدی حیدرپور

آیا خودروی پرنده تسلا فروش و ارزش سهام را بالا می‌برد؟

یورونیوز فارسی:

تسلا اخیراً نسل جدید رودستر را رونمایی کرد؛ یکی از سه نسخه تازه با اجرای حرکت کیک‌فلیپ خیره‌کننده توانایی پرواز را نشان داد، اما تحلیلگران می‌گویند این مدل درآمد قابل توجهی ایجاد نخواهد کرد.

ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا و یکی از بنیانگذاران اسپیس‌اکس، با رونمایی از یک ابرخودرو مجهز به پیشران‌های گاز سرد که با استفاده از فناوری اسپیس‌اکس توسعه یافته‌اند، صحنه‌ای شبیه سریال «نایت رایدر» را بازسازی کرد و توان مهندسی شرکت‌هایش را به نمایش گذاشت.

قیمت سهام تسلا روز جمعه عمدتاً تحت تاثیر همین هیجان بالا رفت، اما در حالی که این نمایش از نظر فنی چشمگیر بود، تحلیلگران برای این مدل جدید ارزش تجاری محدودی قائل‌اند.

مامتا والچا، تحلیلگر بخش کالاهای لوکس در شرکت سرمایه‌گذاری کویلتر شیویت، این رویداد را «لحظه‌ای مهندسی برای تیترسازی» توصیف کرد که هدفش «ایجاد هیجان تازه حول این برند» است.

ریکو لومن، اقتصاددان ارشد بخش حمل‌ونقل و لجستیک در آی‌ان‌جی، این ارائه را «یک ترفند تبلیغاتی که تصویر تسلا را به عنوان شرکتی نوآور برجسته می‌کند و برای برند ارزش می‌سازد» خواند و افزود که خودرو همچنان بیش از هر چیز به احساس و سبک زندگی گره خورده است، به همین دلیل چنین نمایشی اثرگذار است.

جین مانستر، شریک مدیریتی شرکت مدیریت دارایی دیپ‌واتر، این نمایش را در شبکه اجتماعی ایکس «قدرت‌نمایی مهندسی‌ای بدون ارزش تجاری، جز شرمسار کردن خودروسازان سنتی» توصیف کرد.

والچا یادآور شد که خود ایلان ماسک پیش‌تر تأثیر مالی احتمالی رودستر را کم‌اهمیت جلوه داده بود و گفت: «احتمالاً ارزش تجاری این پروژه بیشتر به تقویت روایت نوآور بودن تسلا مربوط می‌شود تا خلق سود قابل توجه.»

ماسک گفت انتظار می‌رود تولید از سال ۲۰۲۸ آغاز شود. تسلا پیش‌فروش این خودرو را شروع کرده، هرچند نسخه پرنده «راکت» فقط با دعوت‌نامه در دسترس خواهد بود. شرکت هنوز قیمت نهایی فروش را اعلام نکرده است.

رودستر در سال ۲۰۱۷ رونمایی شد و یک سال بعد ماسک گفت پیشران‌ها ممکن است امکان پرواز آن را فراهم کنند. پس از آن، این پروژه بارها به تعویق افتاد؛ در حالی که در ابتدا وعده داده شده بود تولید در سال ۲۰۲۰ آغاز شود. والچا جمع‌بندی کرد: «ریسک‌های مربوط به اعتبار و اجرای پروژه همچنان بالاست.»

آیا خودروهای پرنده می‌توانند وارد بازار گسترده شوند؟

قابلیت‌های پرواز رودستر مجوز استفاده در خیابان‌های عمومی را ندارد و در کنار هزینه بالای تولید، یک مانع دیگر پیش پای هرگونه جاه‌طلبی برای گسترش این فناوری به بازار انبوه ایجاد می‌کند.

لومن گفت این خودروی پرنده به عنوان یک خودروی اسپرت خاص و محدود طراحی شده است، اما «فعالیت گسترده‌تر خودروهای پرنده در آینده قابل پیش‌بینی واقع‌بینانه نیست، زیرا همان قوانین حریم هوایی هواپیماها در مورد آنها هم صدق می‌کند و گرفتن گواهینامه پرنده از آژانس ایمنی هوانوردی اروپا (ایاسا) در اروپا الزامی خواهد بود».

آژانس ایمنی هوانوردی اتحادیه اروپا (ایاسا) به یورونیوز بیزینس گفت این که آیا رودستر مشمول مقررات هوانوردی می‌شود یا نه، به طراحی، قابلیت‌ها و نوع بهره‌برداری مورد نظر از آن بستگی دارد.

این آژانس اعلام کرد درباره «درخواست‌های مشخص گواهینامه یا فعالیت‌های مربوط به تولیدکنندگان منفرد» اظهار نظر نمی‌کند.

این نهاد افزود: «هر وسیله‌ای که قرار باشد به عنوان هواگرد فعالیت کند باید با الزامات ایمنی هوانوردی مربوطه منطبق باشد». این الزامات می‌تواند شامل داشتن صلاحیت خلبانی برای راننده نیز بشود.

لومن اضافه کرد که علاوه بر مقررات پیچیده موجود، حریم هوایی همین حالا هم تا حد زیادی پر است، به‌ویژه با افزایش

فعالیت پهپادها.

او گفت: «احتمالاً مقامات به دلایل ایمنی اجازه حضور تعداد زیادی خودروی پرنده خارج از کنترل را نخواهند داد.»

والچا نیز معتقد است استفاده از این فناوری در مقیاس گسترده با محدودیت‌های جدی روبه‌رو خواهد بود.

او افزود: «برخی فناوری‌ها ممکن است به مرور وارد دیگر خودروها شود، اما ویژگی‌های پرواز یا استفاده از پیشران‌ها به احتمال زیاد برای خودروهای تولید انبوه در آینده قابل پیش‌بینی از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه نخواهد بود؛ به خاطر هزینه، پیچیدگی و موانع مقرراتی.»

لومن با این ارزیابی موافق است و می‌گوید بخشی از فناوری‌های فضایی می‌تواند در خودروهای لوکس و رده‌بالا کاربرد داشته باشد.

او گفت: «به طور کلی خودروهای پرنده شاید جایگزینی ارزان‌تر برای جت‌های خصوصی باشند، اما نه در قالب مفهومی که اکنون می‌بینیم.»

فشار برای تبدیل فناوری به سود

مانند بسیاری از غول‌های فناوری، تسلا در حال رشد است، اما همزمان تحت فشار قرار دارد که پروژه‌های فناورانه پرهزینه خود را به سودآوری بیشتر تبدیل کند.

این شرکت به شدت در فناوری‌های نو سرمایه‌گذاری می‌کند، در حالی که رشد سودآوری از رشد فروش عقب مانده است.

درآمد تسلا در سه‌ماهه دوم سال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۶ درصد افزایش یافت و به ۲۸.۲۴ میلیارد دلار (۲۵.۲۰ میلیارد یورو) رسید، اما سود خالص قابل انتساب به سهامداران حدود ۵ درصد کاهش یافت و به ۱.۱۱ میلیارد دلار (۹۹۰ میلیون یورو) رسید.

میزان سرمایه‌گذاری تسلا در نیمه نخست سال بیش از دو برابر شد و به ۸.۲۸ میلیارد دلار (۷.۳۹ میلیارد یورو) رسید. تسلا انتظار دارد هزینه‌های سرمایه‌ای این شرکت در سال ۲۰۲۶ از ۲۵ میلیارد دلار (۲۲.۳۱ میلیارد یورو) فراتر رود؛ رقمی که عمدتا ناشی از سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی و تولید است.

سرمایه‌گذاران در ماه‌های گذشته ارزش این شرکت را به تدریج کمتر از ابتدای سال قیمت‌گذاری کرده‌اند؛ زمانی که سهام تسلا ۴۳۸ دلار معامله می‌شد، در حالی که روز پنجشنبه هر سهم اندکی بیش از ۳۶۲ دلار قیمت داشت؛ معادل کاهش ۱۴.۶ درصدی از ابتدای سال ۲۰۲۶ تاکنون.

دیگر تحلیلگران نیز یادآور شده‌اند که بخش عمده ارزش‌گذاری تسلا بر پایه جاه‌طلبی‌های این شرکت در حوزه رانندگی خودران، ربات انسان‌نمای اپتیموس و امیدها به ادغام با اسپیس‌اکس استوار است.

ادغام اسپیس‌اکس و تسلا؟

فناوری به کار رفته در رودستر تسلا که از اسپیس‌اکس گرفته شده، انتظارات درباره احتمال ادغام دو شرکت در آینده را دامن زده است.

به نوشته نشریه «بارونز»، دان لیوی، تحلیلگر بانک بارکلیز، احتمال داده است که شاید پیش از مجمع سالانه سهامداران تسلا اعلامیه‌ای در این باره منتشر شود، با این حال چنین معامله‌ای هنوز در حد گمانه‌زنی است و هیچ قطعیتی درباره وقوع یا زمان آن وجود ندارد.

در حال حاضر، به نظر می‌رسد روشن‌ترین جذابیت رودستر برای علاقه‌مندان ثروتمند باشد.

لومن در پایان افزود: «این مدل آینده‌نگرانه برای طرفداران و دوستداران گجت‌ها که توان مالی لازم برای خرید آن را دارند فوق‌العاده است و مطمئنم تعدادشان کم هم نیست.»

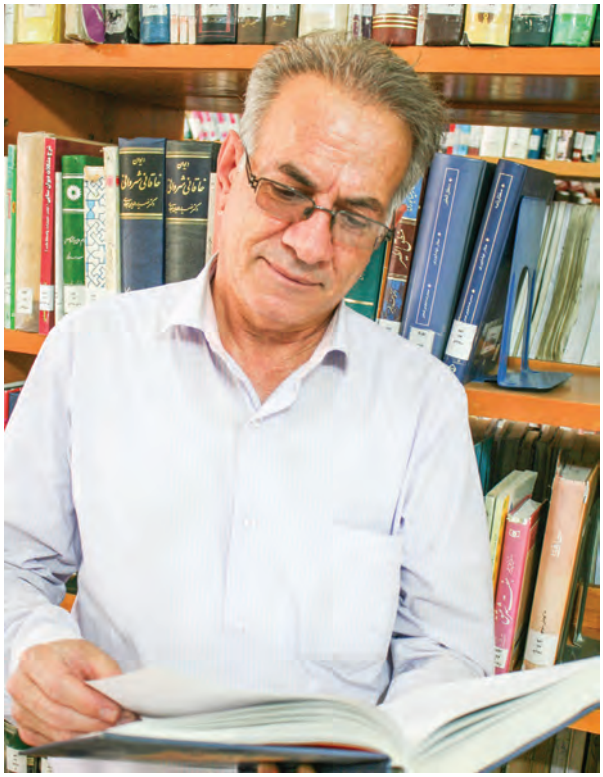


پرونده ماه



حکیم فضل‌اله رهبر
نخستین دندانپزشک نی‌ریزی

صادق هدایت درباره او چه نوشت؟



دکتر مختار کمیلی
پژوهشگر تاریخ و فرهنگ
و استاد تمام دانشکده ادبیات دانشگاه ولیعصر رفسنجان

سال نهم / شماره ۷۲
مهرماه ۱۴۰۵

قدیمی‌ترین دندان‌پزشک نی‌ریزی که آثاری از او بر جا مانده، حکیم فضل الله رهبر نی‌ریزی فرزند محمد حسن نقاش است. زادگاه او یا اجدادش بی هیچ گمان نی‌ریز بوده است. از رهبر نی‌ریزی ظاهراً دو اثر شناخته شده است: واژه‌نامه سه زبانی و دفتر شعر

۱. واژه‌نامه

واژه نامه سه زبانی فضل الله در قاهره چاپ شده است. سال تألیف این اثر که ۲۲۷ صفحه دارد، دانسته نیست. ظاهراً سال تألیف این کتاب بین ۱۳۲۰- ۱۳۱۸ خورشیدی است چه در صفحه‌ای تصویر فوزیه، همسر اول پهلوی دوم، افتاده است و ما می‌دانیم که محمدرضا پهلوی به دستور رضا شاه با فوزیه دختر ملک فؤاد و خواهر ملک فاروق در سال ۱۳۱۸ ازدواج کرده است. همچنین در این کتاب از سال استعفای پهلوی اول یعنی سال ۱۳۲۰ خبری نیست. بنابراین تألیف کتاب بایستی بین این دو تاریخ بوده باشد.

روی جلد این واژه‌نامه، نام کتاب به فارسی (عربی) و انگلیسی ضبط شده است و ذیل آن این عبارات آمده است: رهبر زبانی ایرانی و نطق زبان ایرانی و معنی به انگلیسی و نطق زبان عربی، تألیف الدکتور میرزا فضل الله رهبر نی‌ریزی شیرازی نجل م. محمد حسن نقاش که طبیب دندان در قاهره مصر است. بعد، همین عبارات به انگلیسی و عربی برگردانده شده است.

ساختار کتاب حکیم چنین است که مؤلف نخست مقدمه‌ای می‌نویسد. در این مقدمه پس از حمد خداوند به ستایش پهلوی اول می‌پردازد و دو بیت در وصفش می‌سراید. آن گاه سبب تألیف کتاب را می‌نگارد و سپس حروف الفبای فارسی را به صورت ابتثی (ا، ب، پ، ت ...) و معادل انگلیسی آن‌ها را که در آوانویسی واژگان و عبارات کتاب به کار می‌برد، ضبط می‌نماید. مثلاً: ش: sh ،shin و ...

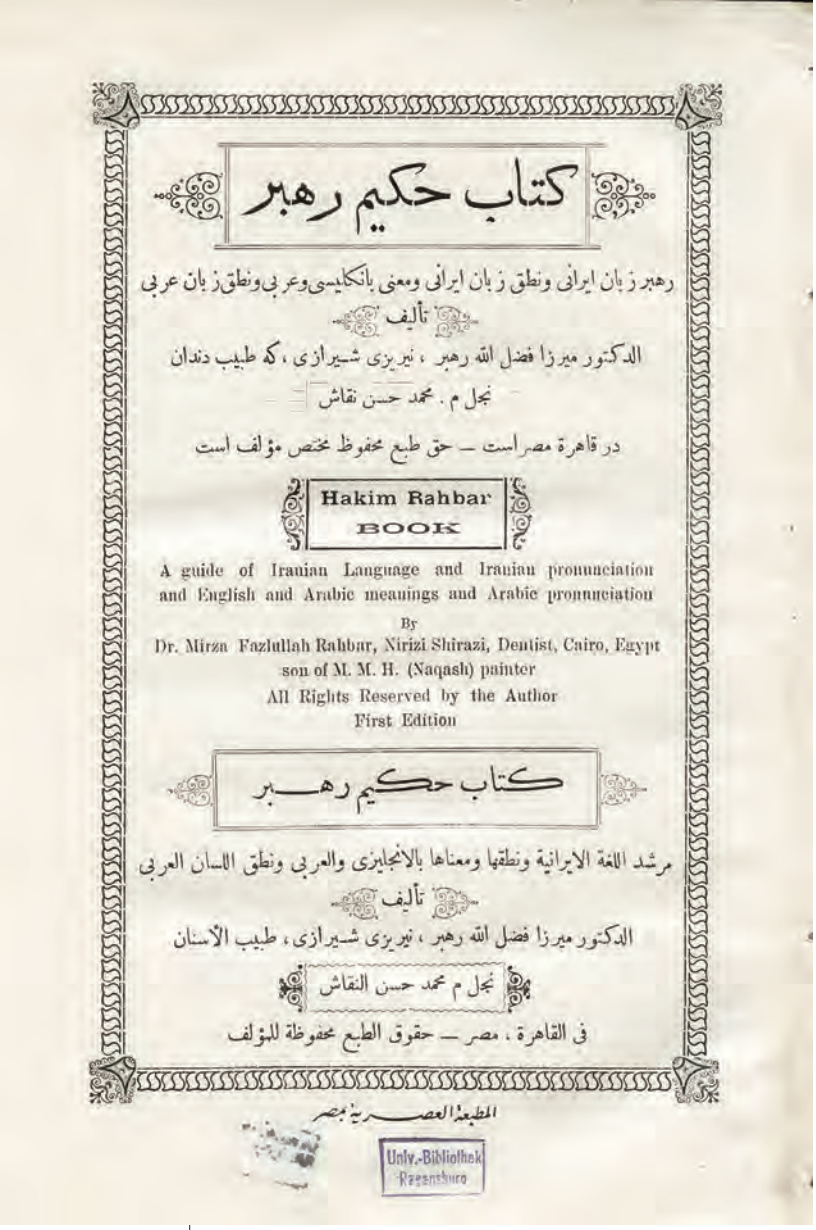
پس از این تمهیدات در هر صفحه پنج ستون رسم می‌کند. در ستون اول واژه یا عبارت فارسی می آید و در ستون‌های چهارگانه مقابل آن، به ترتیب، آوانویسی واژه یا عبارت فارسی، معادل انگلیسی، معادل عربی و آوانویسی واژه عربی ضبط می‌شود مثلاً:

یاد yad amadan / remember / تذکر / tazakkur /آمدن

رهبر نی‌ریزی به همین روش و بر بنیاد موضوعاتی چون: صرف و نحو، عطف واصل و عطف فاصل، حروف ندا، اوقات، اجزاء جسد، بیماری‌ها، و ... کار خود را ادامه می‌دهد.

وی چون دندان پزشک بوده، بخش هایی از کتاب را به بهداشت دهان و دندان و قواعد صحّت و تندرستی اختصاص داده است بدون این که آنها را به زبان‌های عربی و انگلیسی ترجمه نماید. پس از پزشکی نوشت‌های حیکم، اشعار حکیم ثبت شده است. حکیم در بین فصول کتاب تصاویری از شاهان و بزرگان ایران و کشورهای خارجی انداخته است و در ذیل هر تصویری چهار بیت به فارسی گفته که به انگلیسی هم ترجمه کرده است. این تصاویر متعلق به رضا شاه، آتاتورک، هیتلر، فوزیه و ... است

> چون این فانی مدتی در هر جایی سیر و سیاحت نموده و به قدر امکان ملاحظه در ابناء هموطنان عزیز کرده در هر کشوری که هستند ابداً در تعلیم و تعمیم زبان خود اعتنایی ندارند [...] لهذا این فانی چون ملاحظه نمود که طالبان زبان ایرانی بسیارند ... خصوصاً نفوسی که به سیاحت کشور ایران مایلند خاصه آمریکائیان و اروپاویان که برای زیارت آثار قدیمیه ایران خیلی مشتاقند، اخلاصاً به تعمیم و تعلیم این زبان عَذب‌البیان شطری از این را تألیف نموده و به نوعی مرتب ساخته ...


کتاب حکیم رهبر

رهبر زبان ایرانی ونطق زبان ایرانی ومعنی بانکلیسی وعربی ونطق زبان عربی

تألیف

الدکتور میرزا فضل الله رهبر ، نیریزی شیرازی ، که طبیب دندان

نجل م . محمد حسن نقاش

در قاهرة مصر است — حق طبع محفوظ مختص مؤلف است

Hakim Rahbar
BOOK

A guide of Iranian Language and Iranian pronunciation
and English and Arabic meanings and Arabic pronunciation

By
Dr. Mirza Fazlullah Rahbar, Nirizi Shirazi, Dentist, Cairo, Egypt
son of M. M. H. (Naqash) painter
All Rights Reserved by the Author
First Edition

کتاب حکیم رهبر

مرشد اللغة الایرانیة ونطقها ومعناها بالانجلیزی والعربی ونطق اللسان العربی

تألیف

الدکتور میرزا فضل الله رهبر ، نیریزی شیرازی ، طبیب الأسنان

نجل م محمد حسن النقاش

فی القاهرة ، مصر — حقوق الطبع محفوظة للمؤلف

المطبعة العصریة بمصر

Univ.-Bibliothek
Regensburg

به این گونه، کتاب حکیم ما، کشکول وار می‌شود.

برای آشنایی با نثر حکیم، عباراتی از مقدمه کتاب او نقل می‌شود:

«جوامع حمد و ثناء و بدایع شکر و سپاس خداوندی را لایق و سزاست که گمگشته‌گان بادیه حیرانی را به بحر عنایت بیکران وارد نمود و لب‌تشنه‌گان بیابان هلاکت را به سرچشمه علم تمدن و ترقی راه فرمود.»

«نفسی را برگزیده که دادخواه مظلومان شود و کیفر از ظالمان بستاند و گرگان ظاهر میش را خانه‌نشین نماید و [...]».

در سبب تألیف کتاب: «چون این فانی مدتی در هر جایی سیر و سیاحت نموده و به قدر امکان ملاحظه در ابناء هموطنان عزیز کرده در هر کشوری که هستند ابداً در تعلیم و تعمیم زبان خود اعتنایی ندارند [...] لهذا این فانی چون ملاحظه نمود که طالبان زبان ایرانی بسیارند ... خصوصاً نفوسی که به سیاحت کشور ایران مایلند خاصه آمریکائیان و اوروپاویان که برای زیارت آثار قدیمیه ایران خیلی مشتاقند، اخلاصاً به تعمیم و تعلیم این زبان عَذب‌البیان شطری از این را تألیف نموده و به نوعی مرتب ساخته ...»

اعتذار از خواننده کتاب

رهبر نی‌ریزی از خواننده کتاب خواهش می‌کند که بر سهوهای او قلم عفو کشد:

«به خدمت سخن‌فهمان .... خواهش می‌شود که اگر غلط و یا سهوی در این کتاب به نظر عالی رسیده به راه عیب‌پوشی از قلم تعطّف اصلاح فرمایند چنانچه فرموده‌اند: الانسان مرکب من سهو والنسیان

بپوش گر به خطایی رسی و طعنه مزن
که هیچ نفس بشر خالی از خطا نبود

رهنمودهای حکیم در بهداشت دندان و بدن

رهبر نی‌ریزی چون موصوف به حکمت و طبابت بوده، فصلی از واژه‌نامه خود را به بیماری‌ها: درد، خارش، سرفه، تب تیفوئید، تب تیفوسیه، دانه (کورک)، فالج، شکم روش، سرخک و ... اختصاص داده و معادل هر یک از این بیماری‌ها را به انگلیسی و عربی برگردانده است. افزون بر این رهنمودهایی به زبان فارسی در حفظ دندان و ..... دارد که برای نمونه بعضی از آنها، یادداشت می‌شود؛ نمی‌دانم امروزه اعتبار این رهنمودها در پزشکی و دندان پزشکی تا چه حد است.

«چگونه حفظ دندان باید کرد ... اولاً اجتناب از خوردنی و نوشیدنی‌های زیاد گرم است. دوم دوری از نوشیدنی‌های زیاده سرد است. سوم اجتناب از خوردنی و نوشیدنی‌های سرد و گرم پشت سر هم است. چهارم تقلیل دخانیات و دوری کردن از او حتی‌الامکان... دهم واجب بر هر شخصی است که برود نزد حکیم دندان در هر سه ماه یک مرتبه.»

«در قانون صحّیه: اولاً بخواب هشت ساعت و کار کن هشت ساعت و راحت کن هشت ساعت. در وقت راحتی، حتی‌الامکان در سیر و تفرّج به باغ و صحرا کن. دوم بنوش یک گلاسی از آب سرد پاک در وقت برخاستن از خواب به صبح [...] ششم باید خوراک را خوب جوید زیرا که نرم نمودن خوراک نصف هضم است. هفتم ننوشتید آب زیاد در بین خوراک، معده را سنگین و منتفخ و بزرگ می‌کند و اگر آب را غیر اوقات خوراک میل کنند در معده بیش از پنج یا ... دقیقه نمی‌ماند که به زودی وارد مثانه می‌شود و اما آبی که در اثناء خوراک میل می‌شود همراه خوراک سه یا چهار ساعت میماند تا که هضم یابد و در این حالت زحماتی به معده می‌رساند. نهم تفرج کن اوقات بیکاری را در گردش کشت و زار و بوستان و گریزان باش از هوای فاسد بد چنانچه گریزانی از افعی. دهم در وقت خوراک گفتگویت همه در خوشحالی و خنده‌آور باشد و دوری کن از غصّه و

غم و کدورت. یازدهم تخفیف ده شامت را تا که به راحتی بخوابی... چهاردهم اکثر خوراکت از سبزیجات باشد... شانزدهم حذر کن ای خانم (آقای) محترم از البسه بلند زیرا که شل و غبار سبب حمل بسی میکروب امراض می‌شود ... نوزدهم ملاحظه در هوای منزل و پاکی و آفتاب در او کن اگر آفتاب در او نیاید لابد حکیم داخلش خواهد شد ... بیست و یکم ورزش بعد از خوراک مضرت جسمی و عقلی دارد...»

به طور کلی می‌توان گفت سبک نثر حکیم رهبر، همان سبک دوره قاجاری است. وی در نثر، قوی‌تر از نظم است. نثر رهبر در مقدمه و سبب تألیف کتاب نسبت به سبک او در بیان قوانین صحت دندان و بدن فنی‌تر است.

نی‌ریز شهرِ ماه عسل عاشقان

گفتیم که فصول کتاب حکیم موضوعی است. یکی از این موضوعات «ازمنه و ساعات» است. رهبر ذیل این عنوان، گفتگویی را ترتیب داده تا به خودآموزان زبان فارسی، واژگان عبارات متداول در این حوزه را بیاموزد. طبیب نی‌ریزی، عمداً و عاملاً نام زادگاه خود را در گفتگو وارد می‌کند. گویا در غربت و دلتنگی‌های آن، دلش هوای کوچه پس کوچه‌ها و کوچه باغ‌های فرحانگیز نی‌ریز را کرده بوده است. ما این گفتگو را به هر سه زبان نقل می کنیم.

-چه وقت خواهید برگشت؟

- شاید برگردم در سه‌شنبه آینده و من خواهم عروسی کرد در این هفته، بعد از آن یک ماه یا دو ماه خواهم رفت به شیراز و نی‌ریز برای گردش.

برگردان انگلیسی

after a month or two, I will go to Shiraz and Nirizfor a journey.

برگردان عربی: بعدَ شهر اَو شهرَین سأتوجّه إلی شیراز و نیریز لِأجْلِ السیاحه (ص ۵۰)

۲. دیوان حکیم رهبر و نقد پرطنز و ریشخند صادق هدایت

طبیب ما دیوان شعر هم دارد که چاپ شده است. نگارنده به دیوان رهبر دست نیافته است. اما از سخنان طنزآلود صادق هدایت بر می‌آید که اشعار دیوان رهبر در همان سبک و سیاق اشعار مضبوط در واژه‌نامه سه زبانه اوست. نگارنده تنها برای نمونه و به مثابت مشت نمونه خروار، ابیات حکیم را که ذیل تصویر شاه فاروق مصر در واژنامه نوشته شده است در اینجا نقل می کنم:

شاه فاروق مالک ارض و قلوب شد
بر ملک جدّ خویش ملیک‌الملوک شد
شد شاه خَلق و خُلق و سخا یکسره کنون
بر بی نوا و بیوه و ایتام حَنون شد
شد ملجأ فقیر و غریبان و سائلان
هم بانی بناء بهر مریضان ملک شد
شد دادرس به جمله علیلان و بی نوا
بر رهبر و بجمله عزیزان و ملک شد

صادق هدایت در مقاله‌ای با عنوانِ: «شیوه‌های نوین در شعر فارسی» که در خرداد ماه ۱۳۲۰ در شماره سوم سال سوم مجله موسیقی چاپ شده و این مقاله در کتاب «نوشته‌های پراکنده» نیز بازچاپ گردیده است، به پاره‌ای از شاعران می تازد. هدایت پس از تازش به چند شاعر، گاوش را به خرمن حکیم ما می‌راند و به استهزاء چنین می‌نویسد: اما این شاعران بزرگ با آن که هر یک در مقام خود فرید عصر می باشند و ادبیات فارسی را با ابیات غرّای خود زینت داده‌اند نمی‌توان گفت که به آخرین مرحله کمال رسیده‌اند. این افتخار بزرگ در ادبیات جدید نصیب شاعر بزرگ دیگری است که متأسفانه هنوز قدرش چنانکه باید آشکار نشده است. دیوان این نابغه خوش قریحه با ترجمه اشعار، چاپ شده، در پشت کتاب نام و نشان شاعر چنین ذکر شده است: حکیم میرزا فضل الله رهبر نی‌ریزی که طبیب دندان» (هدایت، ۱۳۴۴: ۴۰۸)

هدایت پس از این عبارات، ابیاتی از حکیم در سبب تألیف کتاب و درباره تنگدستان نقل می کند که ارزش چاپ مجدد آنها در این هفته‌نامه را ندارد. باری کاملاً حق به جانب صادق هدایت است. راستی کدام فارسی‌زبانی که آشنایی اندکی با شعر فارسی و قصاید و غزلیات درخشان فرّخی و منوچهری و انوری و سعدی و مولوی و حافظ و ... دارد این دست گفته‌های بی سر و سامان و پریشان را در در زمره شعر محسوب می‌دارد.

ای کاش طبیب ما وادی شعر را به همان شاعران چیره دست شوریده سر یک لا قبا که سر بر آستانه هیچ صاحب زر و زور و تزویری فرود نمی‌آورند، وانهاده بود و ...

> چگونه حفظ دندان باید کرد ... اولاً اجتناب از خوردنی و نوشیدنی‌های زیاد گرم است. دوم دوری از نوشیدنی‌های زیاده سرد است. سوم اجتناب از خوردنی و نوشیدنی‌های سرد و گرم پشت سرهم است. چهارم تقلیل دخانیات و دوری کردن از او حتی‌الامکان... دهم واجب بر هر شخصی است که برود نزد حکیم دندان در هر سه ماه یک مرتبه.



مؤلف حکیم میرزا فضل‌الله رهبر نیریزی شیرازی طبیب دندان

اگر قصدی برای چیر تألیف کتاب ابن بوده ❊ بر تألیف قلوب و دیگرش سهل مماشم بوده
بوده رهست نمنی و دیگر مقصد اقصائی من ❊ که داز أغوش کنند جاله امم دست اخوت بوده
بوده رهبر، مترجی و قنی، بخذاز ند علم ❊ چه که ازهست، وقف وسیها باخوت بوده

Author Hakim Mirza Fazlullah Rahbar Nirizi Shirazi Dentist.

The most aims & purposes of inventing this book have been.
To unify the hearts & facilitate inter courses as well.
It was & still has been my further will & wish.
That all nations should put the hands of brotherhood on the shoulders of each other.
Thus Rahbar is expecting & hoping God the acquainted.
Because He is the unifier & causer of fraternity.

ترجمة من النارسی الی العربی

اگر قصدی ببرای من تالیف منذ الکتاب ❊ لاجل تألیف القلوب و تسهیلها إماشره
هما اکان ویکون نمنی و مقصدی الاقصی ❊ لیثمانقوا کل الأمم بایادی الاخوة
کان رهبر مترجیا و کتیا لله العلیم ❊ لانه هو مؤلف ومسیّیا الاخوة



بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

جوامع حمد وثنا. وبدایع شکر وسپاس خداوند را لایق وسزاست. که گمگشته گان بادیهٔ حیرانی را بیحر عنایت بیگران وارد نمود. ولب تشنه گان بیابان هلاکت را بسر چشمهٔ علم تمدن وترقی راه فرمود. وازین رو بی توایا نرا توانی داد. وکود کانرا رسم سروری آموخت. ونفوس زکیهٔ رابرا نگیخت. که سبب اکتشافات عظیمهٔ شوند. تا که نوع انسان در مهد راحت وآسایش مستریح گردد. وچون بحر رحمت مالا نهایه اش متموج شدو در حق ضعیفان و بی کسان ترحم فرمود. نفسی را بر گزید که داد خواه مظلومان شود. وکیفر از ظالمان بستاند. ودست تطاول را قطع نماید. وظلم وتعدیرا بر طرف کند. وگر گان ظاهر میش را عاله نشین نماید. وبقیان را پدر مهربان گردد. وبیوه زنان را برادر غمخوار شود. وبیمارانرا درمان وشفائی کند. و پیران راملجاء وپجیر شود. وبی کسان را یار دلپذیر گردد. وان شاهنشاه قدر قدرت قوی شوکت اعلیحضرت امپراطور رضا شاه پهلویست که دست توانایش قطع دابر خائنین نمود. وسطوت بازوی قدرتش ظالمین را منکود ومخمود فرمود وارکان استبداد را زیرو زبر کرد. واز توجهات ذات اقدسش چهرهٔ راحت وامان ظاهر وباهر وآشکار شد. وملت کشور کیا نرا در مهد آسایش بیگران مستریح نمود. واز عدل ودادش اهل ایران را باوج عزّت رسانید. خداوند این ذات اقدس همایون را همواره استوار بدارد؟

(للمؤلف)

یارب نگاه دارش از این آفت جهان ◦ تا بر کنند ریشهٔ ظلم از جهان جان
جانرا فدای همت شاهنشهش کنیم ◦ چونکه روان شدند بایران وهم زجان

— 2 —

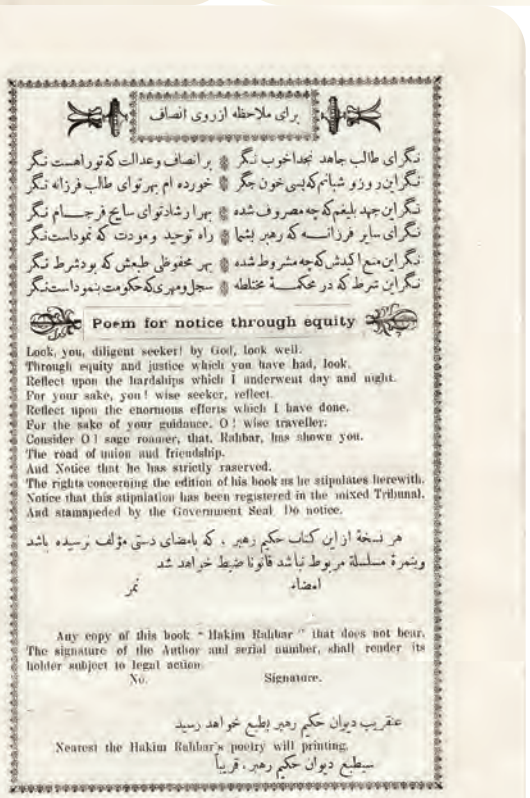
Museum für Völkerkunde Wien Photo
G.R. 1556



سبب تألیف کتاب

چون این فانی مدتی در هر جائی سیر وسیاحت نموده. وبقدر امکان ملاحظه در ابناء هموطنان عزیز کرده. در هر کشوری که هستند ابداً در تعلیم وتعمیم زبان خود اعتنائی ندا رند. ومعارف ایران هم هموطنان مهجور از وطن دور را در گوشهٔ نسیاً منسیاً گذا شته. وز بان عذب البیان ایرانی را مجهول بل متروك نموده اند. مگر بر خی که در وجود شان غیرت وحمیت وطن پر ستی مکوّنست جهد بلیغ مبذول نموده اند. تا که اولاد واحفاد شان از زبان وطنی خود محروم نما نند. لهذا این فانی چون ملاحظه نمود که طالبان زبان ایرانی بسیا رند. ومقبلان بی شمار. ودر هر گوشه وکناری جویا وپو یا تند. خصوصاً نفوسی که بسیاحت کشورایران مایلند. خاصهٔ امریکا نیان واورپاویان که برای زیارت آثار قدیمهٔ ایران خیلی مشتاقند. اخلاصاً. بتعمیم وتعلیم این زبان عذب البیان شطری از این را تألیف نموده. وبنوعی مرتب ساخته. که هر شرقی وغربی که دارای معرفت حروف افرنگی است میتو اند که نطق زبان ایرانی را بد اند. وبسهولت لفظ را ادا کند. وبآسانی هر چیز را اعماً ومعناً مع ترجمه اش ملتفت شود. که لازم بمعلم ومترجم نبا شد. واین از روی مصدر حروف تهجی حالیه که در ایران معمولست. از الف تا یا مع ترجمه اش مرتب نمودم. تا که هرکس بنوع سهولت اساساً مفهومش گردد. واین ترجمه مطابقاً با انگلیسی وعربی وعاق عربی مندرجست. وبطوری آسان وسلیس مرتب نموده. که هر عارف وعامی بزودی بتواند درك نماید. واین مکون از صد وچهل وچهار فصل است مع عکس پادشاهان شرق وقدری غرب ورؤساء وامرای هند

— 3 —



برای ملاحظه ازروی انصاف

نگرای طالب جاهد نجداخوب نگر ◦ برانصاف وعدالت که توراهست نگر
نگراین روزو شبانم که پی خون جگر ◦ خورده ام بهرتوای طالب فرزانه نگر
نگراین جهد بلیغم که چه مصروف شده ◦ بهرا رشادتوای سایح فرجام نگر
نگرای سایر فرزانه که رهبر بشما ◦ راه توحید ومودت که نموداست نگر
نگراین منع اکیدش که چه مشروط شده ◦ بهر محفوظی طبعش که بودشرط نگر
نگراین شرط که در محکمهٔ مختلطه ◦ سجل ومهری که حکومت بنموداست نگر

Poem for notice through equity

Look, you, diligent seeker! by God, look well.
Through equity and justice which you have had, look.
Reflect upon the hardships which I underwent day and night.
For your sake, you! wise seeker, reflect.
Reflect upon the enormous efforts which I have done.
For the sake of your guidance. O! wise traveller.
Consider O! sage roamer, that, Rahbar, has shown you.
The road of union and friendship.
And Notice that he has strictly reserved.
The rights concerning the edition of his book as he stipulates herewith.
Notice that this stipulation has been registered in the mixed Tribunal.
And stampeded by the Government Seal. Do notice.

هر نسخهٔ از این کتاب حکیم رهبر ، که بامضای دستی مؤلف نرسیده باشد
ونمرهٔ مسلسلهٔ مربوط نباشد قانوناً ضبط خواهد شد

امضاء نمر

Any copy of this book "Hakim Rahbar" that does not bear. The signature of the Author and serial number, shall render its holder subject to legal action.

No. Signature.

عنقریب دیوان حکیم رهبر بطبع خواهد رسید
Nearest the Hakim Rahbar's poetry will printing.
سیطبع دیوان حکیم رهبر ، قریباً

—220—

کتابخوانی:

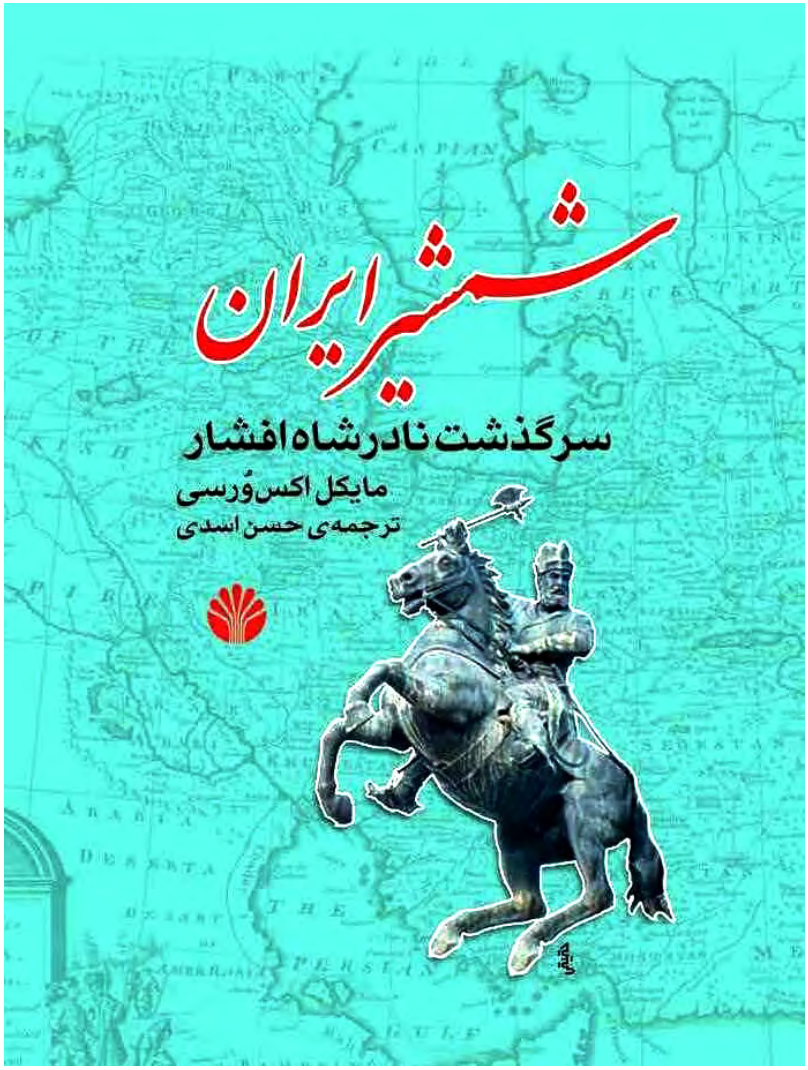
«شمشیر ایران، سرگذشت نادرشاه افشار»

چرا نادرشاه نتوانست پادشاهیِ کامیابی را به یادگار بگذارد





نادرشاه افشار پایه‌گذار دودمان افشار بود و از ۱۱۴۸ تا ۱۱۶۰ ه.ق به‌عنوان شاه ایران حکومت کرد.



جواد لگزیان
عصر ایران

کتاب «شمشیر ایران، سرگذشت نادرشاه افشار» روایتی خواندنی و باشکوه و عبرت‌انگیز از زندگانی مردی است که از گمنامی به پادشاهی ایران رسید و اقداماتی درخور برای ایران و تثبیت ارضی آن انجام داد اما با تسلیم به دیو خشونت چشمان فرزند و ایران را به آینده تاریک کرد.

مایکل اکس‌وُرسی استاد مطالعات خاورمیانه دانشگاه اکستر انگلستان در کتاب «شمشیر ایران، سرگذشت نادرشاه افشار» با نثری آهنگین از شکوه نادر چنین می نویسد: نادرشاه، این فاتح جهانگشای دهلی، در ناحیه بیابانی و پرمخاطره شمال شرق ایران؛ در شمال خراسان، به دور از شکوه دربارها و کاخ‌های پادشاهان چشم به جهان گشود و با سرعتی اعجاب انگیز در مسیر دستیابی به قدرت از سرکردگی دسته ای کوچک تا پادشاهی پیش تاخت.

او در فاصله ۲۰ سالی که از تسخیر مشهد در ۱۷۲۶ تا مرگش در ۱۷۴۷ به طول انجامید، افغان‌ها را از ایران اخراج و مرزهای ایران را به حدود سابق اعاده کرد و آن را به قدرت برتر سرزمین‌های میان دهلی و بغداد تبدیل ساخت. نادر برای کسب این دستاوردها بیش از ۳۰ هزار کیلومتر راه پیمود و ۲۰ بار به جنگ و لشکرکشی پرداخت که جز یک‌بار در همه آنها پیروز بود. او در مواقع خطر از سربازان می‌خواست در سنگر بمانند و شخصاً به صحنه نبرد می‌رفت و بارها با مرگ چهره به چهره شد.

اما پرسش بزرگ با مطالعه اتفاقات بعدی در گستره تاریخ ایران این است که چرا نادرشاه نتوانست پادشاهیِ کامیابی را به ارمغان بگذارد.

مایکل اکس‌وُرسی با تیزبینی خاصی اقدامات خشونت‌بار نادر برای حذف رقبا به ویژه پادشاه صفوی را توصیف می کند که سرانجامی شوم داشت.

از نگاه مایکل اکس‌وُرسی، نادرشاه در ایران انقلابی نظامی پدید آورد که به معنای گسستن از شیوه‌های جنگی شرقی بود. او نخستین کسی بود که در تاریخ ایران ارتشی بزرگ و مجهز به سلاح‌های آتشین پدید آورده بود.

ولیکن اکس‌وُرسی تأکید می‌کند: نادر ایران را به جنگ‌های بی‌پایان سوق داد و آنچه بدرستی محاسبه نکرده بود، هزینه خردکننده نگهداری قشون بود. نادر همواره در جستجوی منابع پول نقد برای پرداخت مواجب قشون بود و این امر به تحمیل مالیات و عوارض سنگین بر قلمرو تحت سلطه وی انجامید که نارضایتی عمومی را در نهایت رقم زد.

به گفته مایکل اکس‌وُرسی، نادرشاه همچنین گامهایی برای نزدیکی تسنن و تشیع و پایان دشمنی با عثمانی برداشت ولی عدم حمایت داخلی و تداوم بی‌اعتنایی عثمانیان به اقدامات او ناکامی را در این زمینه نصیب او ساخت.

اکس‌وُرسی تأکید دارد، چنانچه نادرشاه پیروزی‌های نظامی را با اندکی درایت اداری و کشورداری درمی‌آمیخت، با به ارث گذاشتن این حکومت برای خاندان سلطنتی قدرتمند خود نه‌تنها می‌توانست تمامیت ارضی ایران را حفظ کند، بلکه می‌توانست نهادهای دولت، اصلاحات و نوسازی در ایران را ممکن کند و حتی فراتر از این، می‌توان تصور کرد که یک ایران احیاشده و پویا پس از پشت سر گذاشتن اختلافات مذهبی و با پرکردن خلأ حاصل از ضعف قدرت‌هایی چون عثمانی و مغولان هند می توانست از زوال و انحطاط جهان اسلام در برابر غرب در آن زمان، جلوگیری کند.

اکس‌وُرسی معتقد است: ایرانیان در آغاز سلطنت نادر از وی به خاطر بیرون راندن دشمنان کشور و سرکوب شورشیان داخلی

سپاس‌گزار بودند و هرچند عدالت نادرشاه با خشونت توأم بود، با این حال، بسیاری آن را لازم می شمردند و آن را متناسب و عادلانه می‌دانستند. پیروزی‌های نظامی او معجزه‌آسا به نظر می‌رسید. مردم این پیروزی‌ها را حمل بر تأییدات الهی می کردند. نادر مخوف و ترسناک بود.

لیکن بسیاری گمان می کردند که تنها دشمنان مملکت و مجرمان هستند که باید از او بترسند و در وحشت به سر برند. منتها در آخرین سال سلطنت نادرشاه همه‌ی این دیدگاه‌ها تغییر یافت.

به گزارش اکس‌وُرسی، نادرشاه در اواخر عمر از اختلالات جسمی و روحی وحشت‌انگیزی رنج می برد. این بیماری‌ها او را به شبحی از جسم پیشینش تبدیل ساخته بود. همه‌ی مردم خواه مجرم، خواه بی‌گناه در معرض ستمگری‌ها و بی‌رحمی‌های او قرار داشتند و سربازان قشون وی به جای آنکه برقرارکنندگان نظم عمومی باشند، همچون راهزنان و غارتگران موجبات فقر، مهاجرت و بردگی اهالی کشور را فراهم می آوردند.

با این اوصاف چشم‌اندازهای سلطنت نادر به سرانجام نرسید؛ فرصت‌ها از دست رفت و کشور بار دیگر به باتلاق آشوب و هرج و مرج کشیده شد.

اکس‌وُرسی با انصاف در حق نادر خاطرنشان می‌کند که با در نظر داشتن اینکه او از گمنامی به چنین دستاوردهای سیاسی، سلطنت بر قلمروی چنین پهناور و ایجاد ارتشی با قدرت عظیم نایل آمده بود، می‌توان ادعا کرد که دستاوردهای وی در طول تاریخ ایران بی‌نظیر و در تاریخ جهان کم‌نظیراست.

با این همه به خاطر فرصت‌هایی که ایران در نتیجه زوال سلطنت او از دست داد و دیگر مصایبی که بعد از مرگ وی گریبانگیر کشور شد، اکس‌وُرسی سخنان رضاقلی که گویا پس از کور شدنش گفته است، «اینها نه چشمان من که چشمان ایران بودند که از حدقه درآوردی.»، متناسب روزگار پرهرج و مرج و تحقیر ملی پس از مرگ نادر می داند و با تلخی با او وداع می کند.

به نوشته اکس‌وُرسی مصایب و گرفتاری‌های ایران صرفاً به قتل نادر ختم نشد. بخش اعظمی از پنجاه سال بعدی در جنگ داخلی و با دست به دست شدن امپراتوری نادر سپری گشت. در این مدت غارتگری قشون موجب بروز قحط و گرسنگی شد و هرج و مرج و آشوب همچنان ادامه داشت.

لحظه باشکوه استقبال شاه تهماسب از نادر پس از شکست اشرف افغان که از اسب به احترام این سردار پایین می‌آید، یکی از به یادماندنی‌ترین لحظات توصیف شده در کتاب است. کاش نادر به احترام فرزند خود و دیگر ایرانیان از اسب خشونت پیاده می‌شد آنگاه این کتاب با ستایش به پایان می رسید نه با حسرت.

کتاب «شمشیر ایران، سرگذشت نادرشاه افشار» نوشته مایکل اکس‌وُرسی استاد مطالعات خاورمیانه دانشگاه اکستر انگلستان با ترجمه حسن اسدی در ۴۰۰ صفحه را انتشارات اختران رهسپار بازار کتاب کرده‌است.



نبرد نادرشاه (راست) با عثمانی (چپ) در جلگه ملایر
عکس: نسخه مصور تاریخ جهانگشای نادری



به قلم: مسعود منفرد

رازبوفِ کوربه زبان ساده

یکی از مشهورترین رمانهای تاریخ معاصر ایران، «بوف کور» نوشته صادق هدایت است.
این رمان کوتاه تک‌گویی یک راوی است که دچار تَوَهُم و پندارهای روانی است که در هفتاد کشور، از فارسی به ۳۲ زبان زنده از جمله انگلیسی، فرانسه، آلمانی و عربی ترجمه شده‌است.
با همه شهرت بوف کور اما بسیاری به واقع از آن چیزی نمی‌فهمند و در لایه‌های تودرتوی رمان گم می‌شوند و بناچار آن را کناری می‌نهند.
دوست همشهری و فرهیخته ما جناب مهندس مسعود منفرد که از شاعران خوش‌ذوق مشکانی است، در مقاله‌ای که به دفتر نی‌تاک فرستاده، رازهای بوف کور را به زبانی ساده گره‌گشایی کرده و خواننده پس از آن بهتر می‌تواند بوف کور را بخواند و بفهمد.
در زیر ابتدا خلاصه‌ای از داستان بوف کور را به نقل از ویکی‌پدیا می‌خوانیم و سپس مقاله آقای منفرد را می‌آوریم.

خلاصه داستان به نقل از ویکی‌پدیا

تمامی رمان از زاویه دید اول شخص روایت می‌شود و از دو بخش نسبتاً جدا از هم ساخته شده‌است. این دو بخش گاه با استفاده از شباهت توصیف‌ها و اشاره‌ها به هم مربوط می‌شوند.

خلاصه بخش نخست

کتاب با این جملات مشهور آغاز می‌شود: «در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره روح را آهسته و در انزواء می‌خورد و می‌تراشد. این دردها را نمی‌شود به کسی اظهار کرد؛ چون عموماً عادت دارند که این دردهای باورنکردنی را جزء اتفاقات و پیش‌آمدهای نادر و عجیب بشمارند و اگر کسی بگوید یا بنویسد، مردم بر سَبیل عقاید جاری و عقاید خودشان سعی می‌کنند آن را با لبخند شکاک و تمسخرآمیز تلقی بکنند؛ زیرا بشر هنوز چاره و دوایی برایش پیدا نکرده و تنها داروی آن فراموشی به توسط شراب و خواب مصنوعی به‌وسیله افیون و مواد مخدره است؛ ولی افسوس که تأثیر این‌گونه داروها موقت است و به جای تسکین پس از مدتی بر شدت درد می‌افزاید».
در این بخش اول شخص - که ساکن خانه‌ای در بیرون خندق در شهر ری است - به شرح یکی از این دردهای خوره‌وار می‌پردازد که برای خودش اتفاق افتاده. وی که حرفه نقاشی روی قلمدان را اختیار کرده‌است به طرز مرموزی همیشه نقشی یکسان بر روی قلمدان می‌کشد که عبارت است از دختری در لباس سیاه که شاخه‌ای گل نیلوفر آبی به پیرمردی که به حالت جوکیان هند چمباتمه زده و زیر درخت سروی نشسته‌است هدیه می‌دهد. میان دختر و پیرمرد جوی آبی وجود دارد.
ماجرا از اینجا آغاز می‌شود که روزی راوی از سوراخ رف پستوی خانه‌اش - که گویا اصلاً چنین سوراخی وجود نداشته‌است - منظره‌ای را که همواره نقاشی می‌کرده‌است می‌بیند و مفتون نگاه دختر (اثیری) می‌شود و زندگی‌اش به طرز وحشتناکی دگرگون می‌گردد تا اینکه مغرب‌هنگامی دختر را نشسته در کنار در خانه‌اش می‌یابد. دختر چند هنگامی بعد در رختخواب راوی به طرز اسرارآمیزی جان می‌دهد. راوی طی قضیه‌ای موفق می‌شود که چشم‌های دختر را نقاشی و آن را لااقل برای خودش جاودانه کند. سپس دختر اثیری را قطعه قطعه کرده داخل چمدانی گذاشته و به گورستان می‌برد. گورکنی که مغاک دختر را حفر می‌کند طی حفاری، گلدانی می‌یابد که بعداً به راوی به رسم یادگاری داده می‌شود. راوی پس از بازگشت به خانه در کمال ناباوری درمی‌یابد که بر روی گلدان (گلدان راغه) یک جفت چشم درست مثل آن جفت چشمی که همان شب کشیده‌بود، کشیده شده‌است.
پس راوی تصمیم می‌گیرد برای مرتب کردن افکارش نقاشی خود و نقاشی گلدان را جلوی منقل تریاک روبروی خود بگذارد شراب بنوشد و تریاک بکشد. راوی بر اثر استعمال تریاک به حالت خلسه می‌رود و در عالم رؤیا به سده‌های قبل بازمی‌گردد و خود را در محیطی جدید می‌یابد که علی‌رغم جدید بودن برایش کاملاً آشناست.

خلاصه بخش دوم

بخش دوم ماجرای راوی در این دنیای تازه (در چندین سده قبل) است. از اینجا به بعد راوی مشغول نوشتن و شرح ماجرا برای سایه‌اش می‌شود که شکل جغد است و با ولع هرچه تمام تر هرآنچه را راوی می‌نویسد می‌بلعد.
راوی در اینجا شخص جوان ولی بیمار و رنجوری است که زنش (که راوی او را به نام اصلی نمی‌خواند بلکه از وی تحت عنوان لکاته یاد می‌کند) از وی تمکین نمی‌کند و حاضر به همبستری با شوهرش نیست ولی ده‌ها فاسق دارد. ویژگی‌های ظاهری «لکاته» درست همانند ویژگی‌های ظاهری «دختر اثیری» در بخش نخست رمان است. راوی همچنین به ماجرای آشنایی پدر و مادرش (که یک رقاصه هندی بوده‌است) اشاره می‌کند و اینکه از کودکی نزد عمه‌اش (مادر «لکاته») بزرگ شده‌است.
او در تمام طول بخش دوم رمان به تقابل خود و رجّاله‌ها اشاره می‌کند و از ایشان ابراز تنفر می‌کند. وی معتقد است که دنیای بیرونی دنیای رجاله‌هاست. رجّاله‌ها از نظر او «هریک دهانی هستند با مشتی روده که از آن آویزان شده‌است و به آلت تناسلی شان ختم می‌شود و دائم دنبال پول و شهوت می‌دوند».
پرستار راوی دایه پیر اوست که دایه «لکاته» هم بوده‌است و به طرز احمقانه خویش (از دید راوی) به تسکین آلام راوی می‌پردازد و برایش حکیم می‌آورد و فال گوش می‌ایستد و معجون‌های گونه‌گون به وی می‌خوراند.
در مقابل خانه راوی پیرمرد مرموزی (پیرمرد خنزر پنزری) همواره بساط خود را پهن

کرده‌است. این پیرمرد از نظر راوی یکی از فاسق‌های لکاته است و خود راوی اعتراف می‌کند که جای دندان‌های پیرمرد را بر گونه لکاته دیده‌است. به علاوه راوی معتقد است که پیرمرد با دیگران فرق دارد و می‌توان گفت که یک نیمچه خدا محسوب می‌شود و بساطی که جلوی او پهن است چون بساط آفرینش است.

سرانجام راوی تصمیم به قتل لکاته می‌گیرد. در هیئتی شبیه پیرمرد خنزرپنزری وارد اتاق لکاته می‌گردد و گِزلیک استخوانی‌ای را که از پیرمرد خریداری کرده در چشم لکاته فرومی‌کند و او را می‌کشد. چون از اتاق بیرون می‌آید و به تصویر خود در آیینه می‌نگرد می‌بیند که موهایش سفید گشته و قیافه‌اش درست مانند پیرمرد خنزرپنزری شده‌است.

رازبوفِ کور به زبان ساده

نوشته مسعود منفرد

مدتی بود که مشغول مطالعه‌ی رمان بلند «کلیدر» اثر محمود دولت‌آبادی بودم که ناخودآگاه قدرت قلم و نویسندگی محمود دولت‌آبادی را با صادق هدایت مقایسه کردم.

در نگاه نخست، نوشته‌های محمود دولت‌آبادی برای من از قدرت بیشتری برخوردار بود. دولت‌آبادی با اقیانوس واژگان خود، قدرت عجیبی در تصویرسازی دارد و به‌خوبی می‌تواند احوال درونی شخصیت‌های داستان را وصف کند و آن‌ها را به تصویر بکشد. او حرکات، رفتارها و زبان بدن شخصیت‌ها را با دقتی کم‌نظیر توصیف می‌کند؛ به‌گونه‌ای که گاهی احساس می‌کنیم شخصیت داستان را در برابر خود، به‌طور واضح می‌بینیم.

با خودم فکر می‌کردم چنین قدرتی در نویسندگی چگونه می‌تواند با قدرت نویسندگی صادق هدایت که پیش‌تر مطالعه کرده بودم، مقایسه شود؟

همین موضوع باعث شد به تفاوتی اساسی میان شیوه‌ی نوشتن این دو نویسنده پی ببرم.

به نظر می‌رسد دولت‌آبادی بیشتر از بیرون به شخصیت‌هایش نگاه می‌کند؛ از رفتار، حرکات، روابط و کنش‌های آنان وارد جهان درونی‌شان می‌شود که به‌طور کلی، نگاهی برون‌گرایانه دارد.

اما صادق هدایت دست‌کم در «بوف کور»، مسیر متفاوتی را انتخاب می‌کند؛ او از درون به بیرون می‌نگرد.

هدایت در «بوف کور» بیش از آنکه بخواهد جهان بیرونی و کنش‌های شخصیت‌ها را توصیف کند، به سراغ دنیای درون انسان می‌رود؛ به لایه‌های تاریک ذهن، خیال، ترس، وسواس، تنهایی و اضطراب‌های پنهانی شخصیت‌ها.

به همین دلیل، در آغاز قدرت تصویرسازی دولت‌آبادی برای من آشکارتر و ملموس‌تر بود، اما با تأمل بیشتر دریافتم که ما با دو جهان متفاوت روبرو هستیم. هدایت اساساً در پی خلق جهانی جدید است؛ جهانی که بخش مهمی از آن نه در بیرون، بلکه در ذهن و روان انسان شکل می‌گیرد.

از همین‌جا بود که ایده‌ی نوشتن یک تحلیل از «بوف کور» در من آغاز شد.

به همین جهت، به تحقیق و مطالعه‌ی عمیق‌تر پیرامون «بوف کور» پرداختم. بعد از سال‌ها مطالعه‌ی گسسته‌ی نقدها، تحقیقات و تفسیرهای پیرامون «بوف کور»، متوجه شدم که در تمام این آثار، معمولاً داشتن ادبیات دشوار، شرح طولانی و پیچیده‌گویی، به‌خوبی نتوانسته‌اند رازهای «بوف کور» را به‌صورت ساده و قابل فهم ارائه کنند.

از آنجا که رساندن پیام را در تفسیر، مقدم بر غنای ادبی و عشوه‌های کلامی می‌دانم، سعی کردم دور از اطناب و به‌صورت موجز و



قابل‌فهم، عصاره‌ی تجربه‌ی خود را از این مطالعات به رشته‌ی تحریر درآورم.

در «بوف کور»، راوی داستان تقریباً از درون خود سخن می‌گوید؛ گویی آنچه در طول داستان می‌بینیم، نه الزاماً جهان بیرونی، بلکه بازتابی از جهان ذهنی و روانی راوی داستان است. بسیاری از شخصیت‌ها و نمادهایی که در داستان با آن‌ها مواجه می‌شویم، به نظر می‌رسد تجلی‌بخش بخش‌هایی از روان و ذهن راوی باشند.

برای تحلیل بهتر، می‌توان به چهار عنصر زیر توجه کرد:

۱. راوی داستان

۲. زن اثیری (زن آسمانی و لطیف)

۳. پیرمرد خنزرپنزری

۴. زن لکّاته (زن بدکاره و بی‌حیا)

در ابتدای داستان، راوی با زن اثیری مواجه می‌شود؛ زنی که در ذهن او به‌صورت موجودی خیالین، دست‌نیافتنی و فراتر از واقعیت شکل گرفته است. او چهره‌اش را بسیار زیبا، آسمانی و خواستنی توصیف می‌کند؛ زنی که پیش از این نیز در رؤیاهای راوی حضور داشته و او تصویرش را بر روی قلمدان‌ها می‌کشیده است. گویی این زن، پیش از آنکه در جهان واقعی وجود داشته باشد، در دنیای خیال و رؤیای راوی زندگی می‌کرده است.

راوی زن را در فضایی میان رؤیا و واقعیت به خانه می‌برد و او را وارد جهان خصوصی و شخصی خود می‌کند. زن روی تخت می‌خوابد و هنگامی که راوی می‌خواهد به او نزدیک شود، متوجه می‌شود که زن مرده است.

زن اثیری نماد عشق خیالی و عشق آرمانی انسان است؛ عشقی که تا زمانی که در قلمرو خیال و رؤیا قرار دارد، زیبا، آسمانی و دست‌نیافتنی است. اما هنگامی که انسان به آن عشق دست می‌یابد و آن را از دنیای خیال به واقعیت وارد می‌کند، آن تصویر رؤیایی و رمانتیک دیگر نمی‌تواند به همان شکل باقی بماند؛ گویی با رسیدن به وصال، عشق آرمانی فرو می‌ریزد و می‌میرد.

در «بوف کور»، زن اثیری نیز درست پس از ورود به جهان واقعی راوی می‌میرد. گویی آنچه در خیال زیبا و کامل بود، در مواجهه با واقعیت دیگر امکان ادامه‌ی حیات ندارد.

پس از مرگ زن، راوی تصمیم می‌گیرد جسد او را تکه‌تکه کند، در چمدانی بگذارد و آن را به قبرستان ببرد و دفن کند. این رفتار نیز می‌تواند معنایی فراتر از یک اتفاق داستانی داشته باشد. راوی گویی می‌خواهد عشق آرمانی و تصویر رؤیایی خود را از میان ببرد و آن را به فراموشی بسپارد؛ اما در واقع، آنچه دفن می‌کند، از ذهن و روان او پاک نمی‌شود.

برای دفن زن اثیری، راوی از یک درشکه‌چی کمک می‌گیرد؛ درشکه‌چی‌ای که همان پیرمرد خنزرپنزری است. حضور این پیرمرد در این بخش از داستان، معنایی فراتر از یک شخصیت معمولی دارد.

پیرمرد خنزرپنزری را می‌توان سایه‌ی تاریک درون ذهن انسان دانست؛ آن بخش پنهان از ذهن و روان ما که همیشه همراه ماست و شاید بهتر از هر کس دیگری ما را می‌شناسد. او شبیه قاضی درونی ماست؛ قاضی‌ای که خطاها، ضعف‌ها و حتی حماقت‌های ما را بهتر از هر کس دیگری می‌بیند و درباره‌ی آن‌ها قضاوت می‌کند.

این بخش تاریک وجود ما گاهی به اشتباهاتمان می‌خندد و آن‌ها را به تمسخر می‌گیرد؛ اما در عین حال، از همان خطاها می‌ترسد. گویی انسان در درون خود موجودی دارد که هم شاهد اعمال اوست، هم قاضی او و هم کسی که نمی‌گذارد به‌آسانی از گذشته و خطاهایش فرار کند.

از این منظر، حضور پیرمرد خنزرپنزری در صحنه‌ی دفن زن اثیری برای من بسیار معنادار است. راوی می‌خواهد عشق آرمانی و رؤیایی خود را در اعماق ذهن خود دفن کند، اما برای این کار به کمک همان بخش تاریک و پنهان روان خود نیاز دارد؛ بخشی که هم به رؤیاهای او می‌خندد و هم شاهد شکست و فروپاشی آن‌هاست.

در هنگام حفر قبر برای دفن زن اثیری، راوی به یک قلمدان قدیمی و عتیقه برخورد می‌کند؛ قلمدانی که تصویر همان زن اثیریِ زیبارو بر روی آن نقاشی شده است. بیرون آمدن این قلمدان از دل خاک، معنایی نمادین در داستان دارد و می‌تواند نشانه‌ای از تکرار این داستان در زندگی نوع بشر در طول تاریخ باشد.

انسان بارها و بارها عاشق چیزی می‌شود؛ چیزی که ابتدا در ذهن و خیال او شکل می‌گیرد، آن را آرمانی و زیبا می‌سازد، به آن دل می‌بندد و سرانجام، هنگامی که با واقعیت مواجه می‌شود، تمام رؤیایش فرو می‌ریزد. تلاش می‌کند آن را دفن کند و به فراموشی بسپارد، اما گویی هیچ‌چیز واقعاً در ذهن و ناخودآگاه انسان از بین نمی‌رود؛ زیرا همان چیزی که تصور می‌کنیم به خاک سپرده‌ایم، روزی دوباره از دل ناخودآگاه ما سر برمی‌آورد.

از همین منظر، آن پیرمرد خنزرپنزری نیز که پیش‌تر او را سایه‌ی تاریک ذهن و روان انسان دانستیم، شاهد این چرخه است؛ بخشی از وجود ما که شکست‌ها، خطاها و آرزوهای ناکاممان را می‌بیند، آن‌ها را به تمسخر می‌گیرد و گاه به آن‌ها می‌خندد.

پس از دفن زن اثیری و عشق آرمانی، راوی به زن لکاته می‌رسد؛ زنی که در نقطه‌ی مقابل زن اثیری قرار دارد. اگر زن اثیری نماینده‌ی عشق آرمانی، خیال و رؤیاست، زن لکاته می‌تواند نماد واقعیت‌های تلخ و زمینی زندگی باشد؛ واقعیتی که انسان برای رسیدن به برخی خواسته‌ها و نیازهای خود، ناچار است رنج‌ها و تلخی‌های آن را تحمل کند.

گویی پس از آنکه انسان رؤیای خود را دفن می‌کند، ناگزیر با واقعیت روبرو می‌شود؛ واقعیتی که دیگر از جنس آسمان و خیال نیست، بلکه زمینی، تلخ و گاه رنج‌آور است.



اسکار برای ایران

یکی از دو تا یکی از برون

نهال موسوی
عصر ایران

در مهرماه «غذای نیمروز» مجید مجیدی جایزه بهترین فیلم سی‌ویکمین جشنواره بوسان را برد. فیلم در رقابت با دوازده فیلم آسیایی دیگر، به انتخاب هیأتی هفت‌نفره به ریاست ژانگ ییمو، برنده شد.

این جایزه امسال معنایی تازه دارد: آکادمی اسکار قوانین بخش بین‌المللی را بازنگری کرده و برنده جایزه اصلی شش جشنواره‌ی منتخب، از جمله بوسان، حالا می‌تواند مستقل از انتخاب کمیته‌ی ملی کشورش وارد رقابت شود. بوسان تنها جشنواره‌ی آسیایی در این فهرست است.

نتیجه این شد که ایران در اسکار ۲۰۲۷ دو نماینده دارد: یکی فیلمی که روز آخر مهلت و با ادای تکلیف معرفی شد، و دیگری فیلمی که خودش در را باز کرد.

«سرزمین فرشته‌ها» ساخته بابک خواجه‌پاشا، کیفیتش هرچه باشد، به دلیل نبود پشتوانه‌ی بین‌المللی و پخش‌کننده‌ی آمریکایی شانسی ندارد. اگر همان منطق را وارونه کنیم به فیلم مجیدی می‌رسیم، فیلمی که دست‌کم یک چیز را دارد که آن یکی ندارد: تأییدی مستقل از بیرون.

این تأیید کم نیست. بوسان از سال‌ها پیش جشنواره‌ی مهمی بود و حالا فدراسیون بین‌المللی تهیه‌کنندگان فیلم آن را در ردیف جشنواره‌های بسیار مهمی چون کن، برلین، ونیز، ساندنس و تورنتو قرار داده است.

گویا فیلم مجیدی درباره‌ی معلمی روستایی است که زیر فشار نیازهای متفاوت شاگردان خردسال و بزرگ‌سالش، اخلاق و تعادل خود را از دست می‌دهد. یعنی قصه‌ای کوچک و انسانی، همان چیزی که در سینمای مجیدی همیشه جواب داده است. اسکار با فیلم ضعیف جلو نمی‌رود. کمپین می‌تواند فیلم خوب را بالا ببرد، ولی فیلم بد را نه، و اینجا دست‌کم نشانه‌هایی از کیفیت هست.

سابقه‌ی خود مجیدی هم سرمایه بزرگی است. «بچه‌های آسمان» نزدیک سی سال پیش به جمع ۵ نامزد نهایی اسکار رسید و در نهایت به «زندگی زیباست» بنینی باخت. بعدها اصغر فرهادی با «جدایی نادر از سیمین» و «فروشنده» دو بار اسکار را به ایران آورد و ثابت شد این مسیر برای فیلم ایرانی بسته نیست. اما همه‌ی این‌ها در فضایی بود که با فضای سیاسی و رسانه‌ای امروز تفاوت دارد.

مجیدی آخرین بار با فیلم «خورشید» نماینده‌ی رسمی ایران در دوره‌ی نود و سوم بود، ولی آن فیلم به فهرست نهایی نرسید. پس نام مجیدی برای آکادمی آشناست، اما آشنا بودن به‌تنهایی کافی نیست.

کافی نیست چون مهم‌ترین مسئله همچنان همان است که قبلاً هم بارها گفتیم اصل داستان در اسکار پخش‌کننده است. تا زمان نگارش این یادداشت، خبری از پخش‌کننده‌ی آمریکایی برای «غذای نیمروز» منتشر نشده است.

فیلم همین هفته در بوسان نمایش جهانی داشته و هنوز زود است. اگر شرکت معتبری پشت آن بیاید، نمایش ویژه برای اعضای آکادمی بگذارد، آگهی بخرد و فیلم را در فصل جوایز زنده نگه دارد، شانس رسیدن به فهرست اولیه‌ی پانزده‌تایی واقعاً بالا می‌رود. اگر نیاید، جایزه‌ی بوسان در بهترین حالت درِ ورودی است، نه تضمین رسیدن به جایی.

بعد می‌رسیم به سیاست، که لغزنده‌تر از همه است. اعضای آکادمی عمدتاً از طیف چپ و دموکرات‌اند و رابطه‌ی بخش بزرگی از آن‌ها با دولت ترامپ خوب نیست. محتمل است عده‌ای رأی به فیلم ایرانی را نوعی موضع‌گیری بدانند، هم برای توجه به سینمایی که زیر فشار تحریم کار می‌کند و هم برای تلنگری به واشنگتن و دولت ترامپ.

اما این فقط یک احتمال است. آکادمی بیشتر به فیلم احساسی، قصه‌ی انسانی و کمپین خوب رأی می‌دهد، و اگر فضای سیاسی کمکی باشد، بیش از یک باد موافق نیست.

این سیاست شمشیر دولبه است. مجیدی درباره‌ی کودکان به شهادت رسیده مدرسه میناب سخن گفته است. چنین یادکردی از قربانیان جنگ، به‌ویژه کودکان، برای بسیاری از اعضای آکادمی همدلی می‌آورد.

اما اگر روایت کمپین به شعار تبدیل شود، همین اعضا که دنبال قصه‌ی انسانی‌اند ممکن است عقب بکشند. مجیدی و تیمش باید میان این دو راهی باریک پیدا کنند، و این به اندازه‌ی کیفیت فیلم در نتیجه اثر دارد.

یک پرسش دیگر هم هست: نسبت دو فیلم با هم. بر اساس آنچه درباره‌ی قوانین جدید گفته شده، انتخاب رسمی کمیته‌ی ملی و فیلم برنده‌ی جشنواره می‌توانند در یک سال با هم در این بخش حضور داشته باشند، چیزی که قاعده‌ی سهمیه‌ی ملی پیش از این ممکن نمی‌کرد. یعنی نماینده‌ی دوم مزاحمتی برای نماینده‌ی اول ندارد، اما هم‌زمان دو فیلم از یک کشور در رقابت‌اند.

پس وضعیت این است: دو فیلم، دو مسیر. یکی از تصمیمی اداری و دیرهنگام آمده و کسی نمی‌داند چرا. دیگری از دل یک جشنواره‌ی معتبر آمده و اگر پخش‌کننده و کمپین پیدا کند، می‌تواند تا فهرست اولیه برود. مسئولان سینمایی کشور اگر درایت به خرج دهند، باید توان حمایتی را به سمت فیلمی ببرند که خودش دری باز کرده‌است.

این فرصت از طرف مسئولان نیامده؛ از بیرون و از دل یک جشنواره آمده. اگر این بار هم هدرش بدهیم، دیگر نمی‌شود کسی را جز خودمان سرزنش کرد.

اما در مورد سرزمین فرشته‌ها

«سرزمین فرشته‌ها» به کارگردانی و نویسندگی بابک خواجه‌پاشا و تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی، محصول مشترک سازمان سینمایی سوره و مؤسسه تصویرشهر است. این فیلم پیش از انتخاب به عنوان نماینده ایران، در چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و از جمله فیلم‌های حاضر در بخش سودای سیمرغ بود.

داستان فیلم در فضایی کودکانه روایت می‌شود و محور آن زنی است که با عشق و مقاومت تلاش می‌کند معجزه‌ای رقم بزند. در فیلم، سلاف فواخرجی، بازیگر سوری، در کنار گروهی از بازیگران کودک عرب، ایرانی، سوری و لبنانی حضور دارند؛ ترکیبی که با جغرافیای داستان و موضوع فلسطین فیلم ارتباط دارد.

تهیه‌کنندگی «سرزمین فرشته‌ها» را منوچهر محمدی بر عهده دارد؛ تهیه‌کننده‌ای که پیش از این نیز در سینمای ایران با فیلم‌هایی چون «بازمانده» به موضوع فلسطین پرداخته است. از همین رو، انتخاب «سرزمین فرشته‌ها» را می‌توان ادامه حضور موضوع فلسطین در کارنامه محمدی دانست، هرچند درباره اینکه این فیلم «قسمت دوم بازمانده» است، پیش‌تر مطالبی منتشر شده بود که تأیید رسمی نشده است.

انتخاب «سرزمین فرشته‌ها» یک نکته مهم دیگر هم دارد: بابک خواجه‌پاشا برای دومین بار در فاصله‌ای کوتاه نماینده سینمای ایران در اسکار شده‌است.

نخستین فیلم بلند او، «در آغوش درخت»، در سال ۱۴۰۳ از میان سه گزینه نهایی هیأت انتخاب ایران، در کنار «شهر خاموش» ساخته احمد بهرامی و مستند «ایساتیس»، به عنوان نماینده ایران برای اسکار ۲۰۲۵ انتخاب شد. «در آغوش درخت» پیش از آن در جشنواره فیلم فجر نیز موفق به دریافت سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه و دیپلم افتخار کارگردانی فیلم اول شده بود.

با این حال، «در آغوش درخت» نتوانست در میان ۱۵ فیلم فهرست اولیه بخش بهترین فیلم بین‌المللی اسکار ۲۰۲۵ قرار بگیرد. در همان دوره، انیمیشن کوتاه «در سایه سرو» ساخته شیرین سوهانی و حسین ملایمی به فهرست اولیه بخش انیمیشن کوتاه راه یافت و در نهایت به عنوان یکی از آثار مطرح ایران در آن دوره دیده شد.

اکنون خواجه‌پاشا با فیلمی متفاوت از نخستین تجربه‌اش دوباره وارد رقابت شده است؛ فیلمی که موضوع آن از زندگی یک خانواده ایرانی فاصله گرفته و به جنگ و کودکان فلسطینی می‌پردازد.

آیا «سرزمین فرشته‌ها» می‌تواند مسیر ایران را تغییر دهد؟

هنوز برای پاسخ به این پرسش زود است. آنچه اکنون مشخص است، انتخاب «سرزمین فرشته‌ها» به عنوان نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۷ است؛ نه حضور آن در فهرست کوتاه یا نامزدی نهایی.

از سوی دیگر، موضوع فیلم می‌تواند آن را در میان آثار متعددی قرار دهد که در دوره کنونی اسکار به جنگ، کودکان و بحران‌های انسانی می‌پردازند. اما موضوع به تنهایی تعیین‌کننده نیست و فیلم برای ادامه مسیر نیازمند دیده‌شدن در فضای بین‌المللی، پخش مناسب و جلب نظر اعضای آکادمی خواهد بود؛ نکته‌ای که در روزهای پیش از انتخاب نماینده ایران نیز درباره اهمیت پخش بین‌المللی و رایزنی برای فیلم نماینده مطرح شده بود.

در نهایت، «سرزمین فرشته‌ها» اکنون در نقطه‌ای ایستاده که پیش از آن فیلم‌هایی چون «بچه‌های آسمان»، «جدایی نادر از سیمین»، «فروشنده»، «خورشید» و «قهرمان» ایستاده بودند: فیلمی که از میان تولیدات سینمای ایران انتخاب شده و حالا باید در رقابتی بسیار گسترده‌تر، خود را به آکادمی معرفی کند.

تاریخ سینمای ایران در اسکار نشان داده است که رسیدن به مرحله نهایی معمولاً از مسیر فیلم‌هایی گذشته که در کنار داشتن هویت ایرانی، توانسته‌اند یک مسئله انسانی را به زبانی قابل فهم برای مخاطب جهانی روایت کنند. «سرزمین فرشته‌ها» نیز حالا باید نشان دهد روایت کودکان و جنگ در جهان فیلم بابک خواجه‌پاشا تا چه اندازه می‌تواند از مرزهای جغرافیایی و سیاسی خود عبور کند و به یک روایت سینمایی جهانی تبدیل شود.

اولیاء محترم و دوراندیش

دانش آموزان عزیز

ابتدایی، متوسطه اول و دوم

(دبیرستان)

داوطلبان مدارس

تیزهوشان، هنرستان

و فارغ‌التحصیلان



کانون فرهنگی آموزش

در کانون فرهنگی آموزش قلم‌چی

ثبت نام کنید

مشاوره و برنامه‌ریزی، آزمون‌های منظم و پیشرفت تحصیلی داشته باشید.

با تخفیف ویژه جهت خانواده‌های محترم شهدا، ایثارگران و فرهنگیان بزرگوار

ضمناً آزمون‌ها برای دانش آموزان دهک‌های ۱ و ۲ و ۳
به صورت مجانی برگزار می‌شود.

دبیرستان خوارزمی ۵۳۸۳ ۴۹۳۳



پاییز پلنگان نی‌ریز / آرشیو عکس نی‌ریزان فارس